نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست ویکم- شماره ۸۵۹ یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



استاندار بوشهر:

بانک‌ها حامی اشتغال باشند

صفحه ۲

برق از سر کلمه پرید

بابک فقیه



صفحه۸

۳

سازگاری تنها راه مقابله با کم آبی است

۴

احسان عبدی پور:

«پاپ» مظلوم ترین فیلم من است

۵

سنجه های نادرست روانشناختی اخلاقی زیستن/نَزیستن

دکتر مصطفی ملکیان

۸

پایان یک جدال پر فراز و نشیب در شهرداری بوشهر

اکبر توسلی

غلامرضا فرج زاده بازیگر فیلم پاپ در مصاحبه با هفته نامه نسیم جنوب:

فیلم پاپ در بوشهر غریب واقع شد

صفحه ۴





با صعود شاهین، زیبایی به آسمان بندر بازگشت

محسن باستی

صفحه ۸

نسیم جنوب
خبر
شماره ۸۵۹ یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

استاندار بوشهر:
بانک‌ها حامی اشتغال باشند

استاندار بوشهر با تأکید بر لزوم توسعه اشتغال در سطح استان گفت: نرخ بیکاری در زمستان سال گذشته در سطح کشور ۱۲.۱ درصد بود که در استان بوشهر ۱۱.۲ درصد اعلام شد.

به گزارش خبرنگار مهر، عبدالکریم گراوند در کمیته فنی اشتغال روستایی استان بوشهر اظهار داشت: توسعه اشتغال در روستاها یک نیاز ضروری است که باید با استفاده از ظرفیت‌های موجود در روستاها در این زمینه اقدام شود. وی خواستار شناسایی قابلیت‌های اشتغال در مناطق روستایی و عشایری شد و تصریح کرد: یکی از اولویت‌های مهم استان بوشهر در سال جاری توسعه اشتغال پایدار روستایی و عشایری است.

استاندار بوشهر خواستار همکاری بانک‌ها برای توسعه کارآفرینی شد و بیان کرد: مشارکت بیشتر بانک‌ها در پرداخت تسهیلات اشتغال روستایی می‌تواند زمینه ساز توسعه اشتغال باشد.

وی با بیان اینکه بانک‌ها تاکنون به خوبی در زمینه توسعه اشتغال همکاری نداشته‌اند، افزود: نظام بانکی حساسیت بیشتری در گره‌گشایی مشکلات در اشتغال پایدار روستایی و عشایری نشان دهد.

گراوند با بیان اینکه پرداخت تسهیلات اشتغال باید منجر به ایجاد شغل شود، اضافه کرد: موانع پرداخت تسهیلات اشتغال‌زایی روستایی و عشایری باید شناسایی شود و برای رفع آن اقدام کنیم.

وی با تأکید بر رصد پروژه‌های اشتغال‌زایی در شهرستان‌ها توسط فرمانداران، بیان کرد: مراحل تشکیل کانون توسعه اشتغال در استان طی شده است تا در راستای توسعه اشتغال فعالیت کند.



استاندار بوشهر با اشاره به ظرفیت‌های بالای مناطق روستایی استان بوشهر گفت: ایجاد نمایشگاه محصولات تولیدی استان بوشهر و راه‌اندازی استارت آپ‌ها به منظور کاهش فاصله تولید تا مصرف باید در دستور کار قرار گیرد. وی با اشاره به کاهش نیم‌درصدی نرخ بیکاری در زمستان سال گذشته، ادامه داد: نرخ بیکاری در زمستان سال گذشته در سطح کشور ۱۲.۱ درصد بود که در استان بوشهر ۱۱.۲ درصد اعلام شد.

معاون استاندار بوشهر:
استان بوشهر شرایط مطلوبی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارد



معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی استانداری بوشهر گفت: استان بوشهر شرایط مطلوبی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، سعید زرین‌فر در حاشیه بازدید هیأت تجاری کشور چین از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری استان بوشهر اظهار داشت: استان بوشهر در عرصه نفت و گاز و پتروشیمی ظرفیت‌های خیلی خوبی دارد.

وی با اشاره به صادرات بیش از ۹۵ درصد نفت خام کشور از استان بوشهر، خاطرنشان کرد: پارس جنوبی نیز تولیدکننده بیش از ۷۰ درصد گاز کشور است که بیانگر جایگاه این استان در حوزه انرژی است.

معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی استانداری بوشهر با بیان اینکه این استان به عنوان قطب تولید خرما، میگوی پرورشی و گوجه خارج از فصل کشور محسوب می‌شود، ادامه داد: استان بوشهر در عرصه اقتصادی کشور جایگاه ویژه‌ای دارد.

وی با اشاره به اینکه سرمایه‌گذاری در استان بوشهر مقرون به صرفه است، اضافه کرد: منطقه ویژه اقتصادی شمال استان ظرفیت خوبی برای توسعه و سرمایه‌گذاری دارد که استقرار صنایع متوسط و کوچک در اولویت این منطقه است.

سید حسین حسینی محمدی مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان بوشهر نیز در این نشست با اشاره به شرایط مطلوب سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در ایران و استان بوشهر اظهار داشت: قانون حمایت از سرمایه گذاری در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است.

مهدی صفوی مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی بوشهر نیز اظهار داشت: منطقه ویژه اقتصادی شمال استان بوشهر داری ظرفیت بسیار خوبی برای سرمایه‌گذاری است و دارای مزایای اقتصادی بالایی است.

وی افزود: واحدهای صنعتی مستقر در این منطقه پس از دوره چهار ساله ساخت و ساز ۱۳ سال معاف از مالیات هستند و همچنین کالاهای صادراتی از این منطقه به خارج از کشور یا سایر مناطق ویژه کشور ۱۰۰ درصد از مالیات معاف است.

رئیس شورای شهر بوشهر:
عملیات ساخت دومین تقاطع غیرهمسطح در بوشهر آغاز می‌شود

رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر گفت: عملیات ساخت دومین تقاطع غیرهمسطح در بوشهر آغاز می‌شود که میدان غدیر و مطهری از گزینه‌های مطرح برای ساخت این تقاطع غیرهمسطح است.

به گزارش خبرنگار مهر، ابوذر دهدار در نشست با اعضای شورای اسلامی شهر بوشهر اظهار داشت: یکی از ضروری‌ترین نیازهای شهر بوشهر بهبود سیستم حمل و نقل و کاستن از حجم حرکت های ترافیکی درون شهری است.

وی خاطرنشان کرد: از این رو بعد از به بهره‌برداری رسیدن تقاطع غیرهمسطح میدان آزادی، دومین تقاطع غیرهمسطح شهر بوشهر در بودجه سال جاری شهرداری پیش‌بینی شده است.

وی با بیان اینکه میدان غدیر و مطهری از گزینه های مطرح برای احداث تقاطع غیر همسطح است، افزود: مقرر شد که بعد از بررسی در کمیسیون عمران شورا و بر اساس ارزیابی های ترافیکی، زیست محیطی، اجتماعی این تقاطع نهایی و عملیات آن آغاز شود.

مصوبه کالای همراه ملوان اصلاح شد

مدیرکل گمرک گناوه گفت: مصوبه سال گذشته دولت در زمینه ساماندهی کالای همراه ملوان (ته لنجی) بتازگی اصلاح شده و بزودی ابلاغ و اجرایی می شود.

منصور بازیار در گفت وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود: هم اکنون ترخیص کالای ملوانی در گمرک های این شهرستان بر اساس مصوبه نشست شورای تأمین استان بوشهر در اسفندماه سال گذشته به روال پیش از مهرماه سال ۱۳۹۶ ادامه دارد و متوقف نشده است.

وی اضافه کرد: تخلیه تمامی شناورهایی که تا پایان فروردین ماه امسال وارد خور (آبره دریایی طبیعی) بندر شده و دارای محموله کالای همراه ملوان هستند انجام و پس از این مدت نیز براساس ابلاغ جدید اصلاحیه مصوبه ساماندهی کالای همراه ملوان که بزودی اعلام خواهد شد، صورت می گیرد.

وی اظهارکرد: در مصوبه سال گذشته دولت برای ساماندهی کالای همراه ملوان اصلاحاتی صورت گرفته و در آن، شرایط خوبی پیش بینی شده است تا مردم نگرانی نداشته باشند.

بر اساس مصوبه نشست شورای تأمین استان بوشهر در اسفندماه سال گذشته، اجرای مصوبه سال گذشته دولت در زمینه ساماندهی کالای همراه ملوان تا فروردین امسال به تعویق افتاد و شرایط ترخیص ته لنجی در بندرهای این استان به روال پیش از مهرماه سال گذشته انجام شد.

استاندار بوشهر نیز در نشست کمیسیون قاچاق کالا و ارز این استان در اواخر سال گذشته گفته بود، برای ساماندهی ترخیص کالای همراه ملوان و تأمین مطالبات مردم ساحل نشین آیین‌نامه جدید کالای همراه ملوان تدوین و بزودی تعیین تکلیف می‌شود.

عبدالکریم گراوند افزود: در نشست تخصصی مسئولان استان‌های خوزستان، بوشهر و هرمزگان راهکارهای ترخیص کالای همراه ملوان بررسی و پس از ارسال نظر کارشناسی به مرکز تا پایان فروردین اقلام و نحوه ترخیص کالای همراه ملوان تعیین تکلیف خواهد شد.

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۶/۵/۱۸ به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت و به استناد اصل یکصدوسی وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه ورود کالا توسط ملوانان شناورهای دریایی سنتی با ظرفیت کمتر از ۵۰۰ تن و ساماندهی و نوسازی آن شناورها را در ۱۸ ماده مصوب کرد.

این مصوبه با اعتراض ملوانان، صاحبان شناورهای باری و بازاریان بندرهای استان بوشهر روبرو شد طوری که شناورها از تخلیه کالا برای مدت ها خودداری کردند و مغازه هایی که کالای ملوانی خرید و فروش می کردند به دلیل خالی شدن فروشگاه هایشان از کالای ملوانی اقدام به تعطیلی بازار در چند نوبت کردند.

به همین دلیل شورای تأمین استان بوشهر در نشستی از مسئولان کشور خواستار تعویق اجرای مصوبه ساماندهی کالای همراه ملوان تا پایان فروردین ماه امسال و بازنگری و اصلاح این مصوبه شد که مورد موافقت قرار گرفت.

براساس ماده ۷ این آیین نامه شناورهای دریایی سنتی با ظرفیت کمتر از ۵۰۰ تن (لنج تجاری) در صورت تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار دادن ملوانان شاغل در آن شناور و برخوردار شدن آنان از مزایای بیمه تأمین اجتماعی از قبیل بازنشستگی، بیمه درمان، عیدی آخر سال و سایر موارد مربوط، مجاز هستند در هر سال برای هر شناور و هر ملوان حداکثر شش نوبت و در هر نوبت به ازای هر ملوان تا سقف ۱۰۰ میلیون ریال از معافیت ملوانی مندرج در تبصره (۳) ماده (۱) این آیین‌نامه استفاده کنند.

بر اساس تبصره ۲ ماده ۷ این آیین نامه نیز معافیت‌های ملوانی برای شناورهای زیر ۲۰۰ تن حداکثر ۶ نفر، برای ۲۰۱ تا ۳۵۰ تن حداکثر هفت نفر و برای ۳۵۱ تا ۵۰۰ تن حداکثر هشت نفر و در هر حال برای حداکثر ۶ سفر در طول یکسال اعمال می شود.

در مناطقی که تعداد سفر متداول شناورها بیش از ۶ سفر است سفرهای مازاد شناور مشمول معافیت نبوده و ترخیص کالا در هر حال مشمول مقررات صادرات و واردات کشور است. بیش از ۲ هزار شناور سفاری و باری در استان بوشهر فعالیت دارند که هرکدام از این لنج‌ها بین ۶ تا ۸ ملوان دارند و بیش از ۱۲ هزار نفر بطور مستقیم در شناورها مشغول به کار هستند.

۳۵ تا ۴۰ هزار نفر نیز در بازار شهرهای ساحلی از طریق خرید و فروش کالای ته لنجی فعالیت می کنند که با این احتساب خانواده های ملوانان و بازاریان حدود ۱۶۰ هزار نفر از جمعیت استان از طریق واردات کالای ته لنجی امرار معاش دارند.

شهرستان ساحلی گناوه در شمال استان بوشهر قرار دارد و شغل ۸۰ درصد مردم آن به دریا وابسته است.

مدیرکل ورزش و جوانان بوشهر:
۳۰۰ سمن در استان بوشهر فعالیت دارد
راه‌اندازی خانه جوان

مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر از فعالیت ۳۰۰ سمن در استان بوشهر خبر داد و گفت: خانه جوان راه‌اندازی شده که فعالیت آن گسترش می‌یابد.

به گزارش خبرنگار مهر، احمد بهروزیان‌فرد در نشست ساماندهی امور جوانان استان بوشهر اظهار داشت: در استان بوشهر تلاش ویژه‌ای برای رسیدگی مناسب به جوانان داریم و در این ارستا برنامه‌های مختلفی اجرا می‌شود.

وی اشتغال جوانان را یکی از اولویت‌های مهم دانست و اضافه کرد: برای ایجاد اشتغال جوانان وزارت ورزش و جوانان با صندوق کارآفرینی امید تفاهم‌نامه‌ای را امضا کرده تا تسهیلات مناسب اشتغال‌زایی با نرخ پائین به جوانان پرداخت شود.

مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر با اشاره به اجرای برنامه‌های متنوع فرهنگی و ورزشی در هفته جوان خاطرنشان کرد: در راستای تقویت نشاط اجتماعی در استان بوشهر بیش از ۸۵۰ برنامه طی سال گذشته برگزار شد.

وی با اشاره به فعالیت ۳۰۰ سمن در زمینه‌های مختلف در سطح استان بوشهر، بیان کرد: اداره کل ورزش و جوانان استان بوشهر حمایت مناسبی از این سمن‌ها دارد و امسال اعتبارات خوبی بین سمن‌ها توزیع خواهد شد.

بهروزیان‌فرد از برگزاری کارگاه مشاوره‌ای و آموزشی قبل، حین و بعد از ازدواج در نقاط مختلف استان خبر داد و بیان کرد: خانه جوان در استان بوشهر راه‌اندازی شده که فعالیت آن در نقاط مختلف استان گسترش می‌یابد.

معاون سوادآموزی استان بوشهر:
آموزش‌دهندگان سوادآموزی استان بوشهر با فنون تدریس آشنا شدند

معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: آموزش‌دهندگان سوادآموزی استان بوشهر با فنون تدریس آشنا شدند.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامرضا دانش‌فر در نشست ستاد گرامیداشت مقام معلم با تبریک اعیاد شعبانیه و همزمان شدن این اعیاد با روز معلم، اظهار داشت: اقتدار، عزت، استقلال و سربلندی امروز ما مرهون مجاهدت شهدا، نیروهای مسلح، آزادگان سرافراز، جانبازان و خانواده‌های آنان است.

معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر خواستار توجه به رفع مشکل معلمان شد و ادامه داد: دستیابی جامعه به توسعه و پیشرفت نیازمند توجه به معلمان و فرهنگیان است.

وی تصریح کرد: اگر می‌خواهیم جامعه‌ای پیشرفته، توسعه یافته و نسلی آگاه و مسئولیت پذیر داشته باشیم باید امنیت روانی و شغلی معلمان و فرهنگیان با در نظر گرفتن ارتقای سطح رفاهی و معیشتی آنان در برنامه‌های ملی لحاظ شود.

دانش‌فر با قدردانی از تلاش‌ها و فعالیت‌های صورت گرفته توسط مدیران ادارات آموزش و پرورش، معلمان، مدیران مدارس، آموزش دهندگان و کارشناسان سوادآموزی خاطرنشان کرد: تلاش‌های بسیار خوبی در زمینه جذب بیشتر افراد محروم از سواد در استان صورت گرفته است.

وی افزود: در سال جاری تحصیلی ۵۲۰ نفر از آموزش دهندگان سوادآموزی استان که دوره مهارت‌ها و فنون تدریس را با موفقیت طی کرده بودند گواهی نامه پایان دوره مهارت را دریافت کردند.

معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر اضافه کرد: آموزش دهندگان سوادآموزی در استان با ۱۶۰ ساعت آموزش، دوره مهارت‌ها، فنون تدریس، اصول کلاس داری و آیین نامه های آموزشی، امتحانات و... را با موفقیت به پایان رساندند.

گام بلند شهرداری در توسعه سرمایه گذاری در شهر بوشهر

به گزارش واحد خبر و رسانه مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری جلسه شورای عالی سرمایه گذاری شهرداری بندر بوشهر با حضور مشاور طرح جامع سرمایه گذاری شهر بوشهر برگزار گردید.

در این نشست دکتر ندیم مشاور طرح جامع سرمایه گذاری شهر بوشهر و پدر سرمایه گذاری در ایران گزارشی از روند مطالعات و خدمات شرکت مشاور ارائه نمودند. در ادامه قاسمی سرپرست شهرداری بندر بوشهر توسعه منابع پایدار درآمدی و سرمایه گذاری در شهر را با توجه به کاهش منابع درآمدی شهرداری ها، تنها راهکار مؤثر برای سال های آتی خواند. وی با بیان این که بوشهر ظرفیت های بالایی برای گردشگری و سرمایه گذاری دارد، موفقیت در این عرصه را نیازمند یک طرح مطالعاتی سرمایه گذاری و فرهنگ سازی دانستند. قاسمی سال ۹۷ را سالی عنوان نمودند که این حرکت با حضور مشاوران و ریل گذاری برای جذب سرمایه گذاری و توسعه شهری آغاز خواهد شد.

دهدار رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر ضمن عنوان این مطلب که شهر بوشهر بستر لازم برای رشد سرمایه گذاری در شهر را دارد عنوان نمودند که شورا از طرح های مطالعاتی و سرمایه گذاری برای توسعه پایدار شهری حمایت خواهد کرد. وی ابراز امیدواری نمود که هر چه سریع تر طرح مطالعاتی و حرکت عملی در این خصوص آغاز شود. در همین خصوص گروه مشاور از تکمیل طرح مطالعاتی و تهیه بسته های سرمایه گذاری تا تیر ماه و برگزاری تالار سرمایه گذاری با حضور صد گروه سرمایه گذار داخلی و خارجی در شهر بوشهر به مدت ۳ روز در نیمه دوم سال خبر دادند.

اشیای ساسانی از قاچاقچیان در دشتستان کشف شد

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: یگان حفاظت این اداره کل با همکاری نیروهای انتظامی و امنیتی شماری از اشیای باستانی مربوط به دوره ساسانیان را درشهرستان دشتستان از قاچاقچیان کشف کرد.

ناصر امیرزاده در گفت وگو با ایرنا افزود: این اشیای باستانی شامل آتش‌دان، گوپال، هاون سنگی، سنگ آسیاب و جون سنگی است.

وی اظهار کرد: اشیای کشف شده توسط فردی در سایت دیوار در معرض فروش قرار گرفته بود که با پیگیری های انجام شده یگان حفاظت این اداره کل و همکاری نیروی انتظامی، نیروهای امنیتی این اشیا را کشف و به اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان دشتستان تحویل دادند.

امیرزاده با تأکید بر اینکه اشیای کشف شده از لحاظ فرهنگی و تاریخی دارای غنای منحصر به فرد و معرف هویت و تمدن این سرزمین است گفت: براساس قانون هر گونه خرید و فروش اشیای تاریخی و فرهنگی ممنوع است و براساس قانون با متخلفان برخورد می شود.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر از مردم خواست تا از حفاری‌های غیر مجاز در محدوده‌های تاریخی و باستانی پرهیز و اشیای تاریخی فرهنگی کشف شده را به اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر و شهرستان‌ها تحویل دهند.

وی یادآور شد: تاکنون بیش از یکهزار و ۳۰۰ اثر تاریخی در استان بوشهر شناسایی شده است.

شهرستان دشتستان با مرکزیت شهر برازجان دارای آثار مهم تاریخی و باستانی از دوره های مختلف و قطب میراث فرهنگی استان بوشهر است.

معاون عمرانی استاندار بوشهر:
احیای بافت تاریخی بوشهر نیازمند اراده جمعی و برنامه‌ریزی دقیق است



معاون عمرانی استاندار بوشهر در بازدید از بافت تاریخی بوشهر گفت: احیای بافت تاریخی نیازمند اراده جمعی و برنامه‌ریزی دقیق است.

به گزارش خبرنگار مهر، مهرداد ستوده در حاشیه بازدید از بافت تاریخی بوشهر در نشستی که در محل عمارت دهدشتی برگزار شد اظهار داشت: بافت تاریخی بوشهر شناسنامه و هویت فرهنگی شهروندان هم استانی است که باید مورد توجه ویژه همه مسئولان استانی قرار بگیرد.

وی افزود: برای اینکه غنای فرهنگی بوشهر را به گردشگران داخلی و خارجی بشناسانیم باید محدوده بافت قدیم را معرفی کنیم. بدون تردید نقطه نقطه این میراث گران‌بها می‌تواند خیلی از داشته‌های فرهنگی – تاریخی ما را هویدا کند.

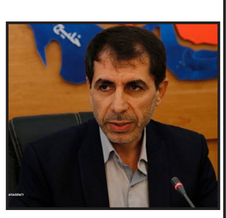
معاون امور عمرانی استاندار بوشهر خاطرنشان کرد: زمانی می‌توانیم ادعا کنیم که در زمینه احیا بافت کاری کرده‌ایم که زندگی را در تمامی عمارت‌های موجود جریان بدهیم و برای رسیدن به این هدف مهم باید زیرساخت‌های لازم را ایجاد کنیم که این نیز نیازمند اراده جمعی و برنامه ریزی مدون است.

ستوده مقرر کرد طی حداکثر یک هفته تمامی دستگاه‌ها برنامه‌های سال ۹۷ خود را به دفتر فنی ارائه داده تا در ستاد بازآفرینی استان با استفاده از اطلاعات ارسالی از سایر دستگاه‌ها یک برنامه ریزی منسجم صورت پذیرد و بتوانیم در پایان سال جاری گزارش مثبتی از روند پیشرفت پروژه‌ها و برنامه‌هایمان ارائه کنیم.

معاون استاندار بوشهر با بیان اینکه دلیل حضور ما دستور و تأکید استاندار بوشهر است گفت: مجموعه مدیریتی استان موفق نخواهد شد جز با همکاری و مشاوره ساکنین بافت تاریخی، لذا هنر مدیران ما باید این باشد که از ظرفیت این اهالی برای پیشبرد پروژه‌هایشان نهایت استفاده را ببرند.

در این جلسه که با حضور بزرگان و اهالی چهار محل شکل گرفته بود، تعدادی از معتمدان محلی و پیشکسوتان چهار محل به نمایندگی از ساکنین بافت چند نفری صحبت کردند سپس مدیران ستادی و دستگاه‌های اجرایی، اعضای شورای شهر بوشهر و سرپرست شهرداری اقدامات انجام شده در این منطقه و برنامه‌های خود را در سال ۹۷ تشریح کردند.

معاون استاندار بوشهر:
پست‌های مدیریتی استان بوشهر به جوانان واگذار شود



معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر گفت: پست‌های مدیریتی استان بوشهر به جوانان واگذار شود.

به گزارش خبرنگار مهر، مجید خورشیدی در نشست ساماندهی امور جوانان ضمن تبریک اعیاد شعبانیه، اظهار داشت: باید از فرصت ماه شعبان و رمضان برای توسعه شادابی و نشاط در جامعه استفاده شود.

وی خواستار برگزاری برنامه‌های متنوع هفته جوان در سطح استان بوشهر شد و خاطرنشان کرد: یکی از برنامه‌هایی که باید در این هفته دنبال شود، برگزاری جشن گلریزان ویژه جوانان زندانی جرایم غیر عمد مالی است.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر با اشاره به اهمیت بالای ارائه مشاوره به جوانان در زمینه‌های مختلف خاطرنشان کرد: مراکز مشاوره ازدواج، تحصیلی، اجتماعی و شغلی جوانان استان بوشهر راه‌اندازی شود.

وی با تأکید بر لزوم توجه مدیران استان بوشهر برای واگذاری پست‌های مدیریتی به جوانان در رده‌های مختلف پایه، میانی و ارشد تصریح کرد: جوانان دارای ظرفیت و پتانسیل بالایی هستند و باید حمایت مناسبی از آنها صورت گیرد.

خورشیدی خواستار حمایت از بهبود یافتگان از اعتیاد به ویژه در زمینه اشتغال شد و افزود: معرفی جوانان موفق هر دستگاه اجرایی نیز یکی از برنامه‌هایی است که باید مد نظر قرار گیرد.

وی با تأکید بر برگزاری اردوی فرهنگی، گردشگری و برپایی ورزش همگانی خانوادگی در هفته جوان، اضافه کرد: دولت تلاش ویژه‌ای برای رفع مشکلات و تامین نیازهای قشر جوان دارد.

نسیم جنوب
NASIM JANOUB
۳ آب
شماره ۸۵۹ یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷

چرا در تاکسی در مورد بی‌آبی حرف نمی‌زنیم؟

مصطفی داننده: حمله سه کشور آمریکا، فرانسه و انگلیس به سوریه، باعث شد تا بحث‌های ایرانی‌ها از دلار و حواشی آن به سمت کشوری جنگ زده در خاورمیانه برود.

مردم در خانه و مهمانی، تاکسی، اتوبوس، مترو، محل کار و خیلی جاهای دیگر در مورد جنگ سوریه با هم صحبت می‌کنند. تحلیل می‌کنند و بعد نگران می‌شوند.

مردم ایران بیشتر از مردم سوریه و سه کشور حمله کننده، در مورد این هجوم موشکی صحبت کردند و نگران شدند.

مردم ایران به شدت نگران آینده خود هستند. از هر اتفاقی برای اینکه از آینده بترسند استقبال می‌کنند. ترسیدن از آینده کار خوبی است اما این ترس نباید برای سوریه باشد. نباید برای دلار باشد. ما سال‌هاست با دلار در جنگیم و توپ، تانک و ترور خو گرفته‌ایم.

ترسناک ترین هیولای روبروی ما بی‌آبی است. اژدهایی که گویی ما اصلا از او نمی‌ترسیم.



آقایان، خانم‌ها، آب نداریم.

ایران با بحران بی‌آبی روبرو است. انگار نه انگار که برف و باران کم باریده است. انگار نه انگار خشکسالی مانند ابر بر روی سر ایران سایه افکنده است.

مردم به راحتی آب مصرف می‌کنند. ماشین می‌شویند. حمام می‌روند و از فراوانی آب لذت می‌برند.

در کشاورزی هم که گویی ایران به دریایی وصل است که هیچگاه آبش تمام نمی‌شود. در مناطق کویری برنج می‌کاریم. خربزه از دل زمین می‌چینیم. خیار و هندوانه تولید می‌کنیم بدون اینکه توجه کنیم چه آبی فدای این محصولات می‌شود.

محصولاتی که به راحتی می‌شود از دیگر کشورها وارد کرد و آب را ذخیره کرد. بسیاری از این محصولات مانند هندوانه یا خیار اگر مورد استفاده قرار نگیرد هم چندان عیبی ندارد و مردم ضرر نمی‌کنند.

مردم با نخوردن هندوانه یا خیار به مشکل بر نمی‌خورند اما نبود آب، تمام زندگی آنها را تعطیل می‌کند. بسیاری از مهاجرت‌ها به خاطر نبود آب است. آب که نباشد مردم تصمیم می‌گیرند برای به دست آوردن آب از این شهر به آن شهر بروند.

بی دلیل نیست که در قرآن آمده است « و جعلنا من الماء کل شیء حی»

بیایید به جای سوریه، دلار، و هزار مشکل دیگر در ابتدا به فکر آب باشیم. آب را درست مصرف کنیم و نگذاریم در آینده ایران با بحران بی آبی روبرو شود و ایرانی‌ها مجبور شوند برای به دست آوردن آب از این شهر به آن شهر بروند.

مسؤولان و مردم هنوز این بحران را جدی نگرفته‌اند. بیایید فکری کنیم تا دیر نشده است. بی آبی را با هیچ دستور از بالایی نمی‌شود حل کرد.

منبع: عصر ایران

مدیرعامل آب و فاضلاب بوشهر:

مصرف آب شرب در استان بوشهر باید کاهش یابد

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر گفت: برای عبور از بحران آب باید مصرف آب شرب در استان بوشهر بین ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش یابد.

به گزارش خبرنگار مهر، کیقباد یاکیده در نشست شورای هماهنگی مدیران آب استان بوشهر اظهار داشت: بخش عمده آب مصرفی در استان بوشهر از طریق خط لوله از استان‌های همسایه تأمین می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: حدود ۹۰ درصد آب مصرفی استان از خارج از استان تأمین می‌شود که ۶۰ درصد مربوط به سد کوثر در استان کهگیلویه و بویراحمد و بیش از ۲۵ درصد از رودخانه شاپور و چاه‌های کازرون تأمین می‌شود.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر خواستار مشارکت همگانی در ترویج فرهنگ مدیریت مصرف آب شد و افزود: باید مصرف بهینه در دستور کار همه مردم استان بوشهر قرار گیرد.

وی تنها راه گذر از بحران بی‌آبی را مصرف بهینه عنوان کرد و ادامه داد: کاهش ۲۰ تا ۲۵ درصدی مصرف آب توسط مشترکین آب خانگی می‌تواند نقش مهمی در عبور از بحران آب داشته باشد.

یاکیده اضافه کرد: بخشی از آب موجود در شبکه‌های آبرسانی استان به علت فرسودگی این خطوط هدر می‌رود که باید برای اصلاح و بازسازی این شبکه‌ها نیز اقدامات لازم انجام شود.

وی بیان کرد: وزیر نیرو به استان بوشهر سفر خواهد کرد و در این سفر برای مقابله با کم‌آبی و تسریع در اصلاح شبکه فرسوده آبرسانی راهکارهای لازم مورد توجه قرار می‌گیرد.

دلار زبان دارد، آب ندارد!

امید بزرگ‌حداد

– همه جا صحبت از گران‌شدن دلار است. در شبکه‌های اجتماعی، عکس، کاریکاتور و طنزهای بسیاری منتشر شده و کار به جایی رسیده که در تاکسی، اتوبوس و مترو همه با حرارت درباره این گرانی حرف می‌زنند و تحلیل می‌کنند.

– این نخستین بار نیست که این اتفاق رخ می‌دهد و پیش از این نیز گران‌شدن دلار بازخوردهای بسیاری داشته است. می‌توان درک کرد که مسائل اقتصادی برای عموم مردم اهمیت ویژه‌ای دارد. حتی آنها که در تمام زندگی‌شان یک صددلاری را نیز لمس نکرده‌اند هم به این قافله پیوسته‌اند و نگران هستند. آنها هم می‌دانند که تلاطم اقتصادی و گران‌شدن یک ارز خارجی می‌تواند بر کوچک‌شدن سفره‌شان اثر بگذارد.

– اما چرا جامعه این‌همه سریع و شدید به گران‌شدن دلار واکنش نشان می‌دهد، اما هشدارهای علنی و آشکار درباره بحران آب را نمی‌بیند، نمی‌شنود یا جدی نمی‌گیرد؟ بدون دلار می‌شود زنده ماند، اما بدون آب چطور؟ اگر آب جیره‌بندی شود، چند مشت دلار لازم است تا یک بطری از آن را گیر آورد و نوشید؟

– آیا هنوز بخش بزرگی از جامعه باور نکرده است



ما در حال تجربه‌کردن یک شکست اقلیمی بزرگ هستیم و بحران آب می‌تواند زیستن در این سرزمین را غیرممکن کند؟ اگر فرونشست‌های متعدد زمین، خشک‌شدن تالاب‌ها، کم‌شدن آب پشت سدها، افزایش ریزگردها و ... را باور نمی‌کنیم، استفاده روزافزون از پمپ آب در گوشه‌گوشه شهرها و کم‌شدن فشار آب در طبقات بالایی ساختمان‌ها را هم نمی‌بینیم و باور نمی‌کنیم؟

– رسانه‌ها و فعالان اجتماعی در چند روز گذشته با دقت‌نظر بی‌مانندی افزایش لحظه به لحظه قیمت دلار را پیگیری کرده‌اند، اما چرا کاهش آب این حساسیت را ایجاد نمی‌کند؟ تلخ و دردناک است، اما اگر این روزها در خیابان فردوسی تهران برای خریدن دلار عده‌ای صف بستند، دیر نیست که بسیاری از ما برای خریدن آب صف ببندیم.

– چرا این خطر را باور نمی‌کنیم؟ دلار زبان دارد و آب ندارد؟ بحران دلار را می توان یک‌شبه و با یک دستور کنترل کرد، اما حل بحران آب کار یک شب و یک دستور و یک نفر نیست و عزمی ملی می‌طلبد. آیا این عزم وجود دارد؟ دلار زبان دارد، آب ندارد!

آب را گل نکنیم!!!

علیرضا احمدی

بیش از نیمی از ایران کویری و نیمه کویری است. حدود یک سوم ایران نیز کوهستانی است و بخش کوچکی از ایران (شامل جلگه جنوب دریای خزر و جلگه خوزستان) از جلگه های حاصلخیز تشکیل شده است. ایران به لحاظ بارندگی در سطح نیمه خشک و خشک است. میزان بارش ها در شمال کشور در استان رشت به ۲۱۱۳ میلیمتر می رسد اما در سایر بخش ها به ۲۰۰ میلیمتر و در بخش کویر به ۱۵ میلیمتر می رسد. و این آمارها گواه مشکل کمبود آب در ایران است که به گزارش کارشناسان، ایران را تا سال ۲۰۲۵ در وضعیت تنش آبی قرار می دهد.

حال سؤال اینجاست! آیا مشکل آب در ایران مشکل جدیدی است؟ یا به مانند مشکلات مدرنیته و پیشرفت تکنولوژی (تلگرام و..) به مشکلات ما اضافه شده؟ آیا به مانند دلار دست دول خارجی در برهم زدن بحران آب دخیل است؟ آیا دشمنان نظام با دخالت و نفوذ در ابرهای باران زا و بسترهای آبی ایران مانع رفع مشکل آب شده اند؟

می توان با توجه به مستندات تاریخی استناد داد که ایران کشوری است که هزار سال است که با بحران آب و کمبود آب مواجهه است، چگونه در گذشته ی تاریخی ایران دولت ها و مردم این مشکل را رفع می کرده اند! برای مثال قنات ها یکی از راه حل های اساسی ایرانیان در جهت حل بحران آب بوده است، بطوری که می توانست نیاز کشاورزی روز را تأمین و نیز نیاز مصرفی خانوارها را هم فراهم کند، مردم ایران زمین در حافظه تاریخی خود بارها شاهد خشک سالی ها و قحطی های متعدد بوده اند، به طوری که همیشه در فرهنگ و ادبیات این سرزمین آب عنصری مقدس و قابل احترام قلمداد می شده است، بالاترین نعمات و بالاترین درجات الهی در تاریخ و ادب ایران متعلق به آب بوده است.

و این همان فرهنگی را ساخت که مردم خود پاسداران آب باشند.

امروز برای بحران آب در ایران باید فکر چاره بود،



مشکل آب به مانند مشکلات بیکاری و تورم و اقتصاد و فساد و...با شعار و نشست و کنفرانس و جلسات ریاست جمهوری شعاری نیست. آب مثل مردم نیست که بتوانیم با ایدئولوژی نگهش داریم، آب نه صدا و سیما می بیند و نه بیلبوردهای شهری را می خواند و نه سواد کاغذ بازی های اداری دارد. آب تنها عمل می خواهد، عمل آستین بالا زدن می خواهد.

دولت اگر هیچ صدایی را نشنود باید صدای آب را بشنود، اعتراض مردم اصفهان و نارضایتی مردم یزد امروز صدای قطع شدن آب است،که اگر مدیریت نشود گریبان تمام ایران را خواهد گرفت.

و اما جان کلام!

دولت ها در ایران آنقدر فربه و گسترده شده اند که از زندگی خصوصی مردم تا سیاست های کلان دخالت می کنند، و در اکثر دخالت ها تنها برهم زننده ی نظم طبیعی و موجب اختلال می شوند، دولت ها با دخالت در امور آب امروز متهم ردیف اول تنش آب در ایران اند، همین دولت ها فرهنگ مقدس آب را از مردم زدودند، آبی که از قنات ها از خانه به خانه ای دیگر می رفت و ذره ای آلوده و کثیف نمی شد، سیاست حکومتی در پسش نبود، تنها فرهنگ و باور مردم بود که اگر حفظ می شد شاید امروز نیازی به این شعارهای فرهنگی در جهت بهینه مصرف کردن آب هم نبود. سیاست های اشتباه در کشاورزی و عدم مدیریت در حفظ ذخایر آبی و عدم پیش بینی در مصرف آبهای زیرزمینی و نبود آموزشهای فرهنگی ایران را امروز به چالشی عظیم کشیده است، زمان برای آب زود دیر می شود، آب عزمی راسخ از حکومت و یاری بلند از مردم می خواهد.

"آب فرهنگ مردمی می خواهد" و "مدیریت عملی".

شاید اگر امروز فرهنگ آب در بین مردم باقی بود، امروز شعر سهراب در دل مردم به جای شعارها می نشست:

آب را گل نکنیم
مردمان سر رود آب را می فهمند.
گل نکردنش، ما نیز
آب را گل نکنیم.
در فرودست انگار کفتری می خورد آب
یا در آبادی کوزه یی پر می گردد.

سازگاری تنها راه مقابله با کم آبی است



مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه ای بوشهر گفت: با توجه به شرایط خاص این استان برای تأمین امنیت معیشتی و آبی مردم، راهی جز سازگاری با کم آبی وجود ندارد.

به گزارش ایرنا، شاپور رجایی در جمع خبرنگاران افزود: پذیرش نداشتن منابع آبی جدید و افزایش بهره وری از این منابع، می تواند همه نیازهای آبی جمعیت کشور را تأمین کند.

وی درباره راهکارهای علمی و عملی سازگاری با کم آبی در سه بخش عمده مصرف کنندگان آب استان بوشهر اظهار کرد: با توجه به اینکه ۹۰ درصد آب استان در بخش کشاورزی مصرف می شود، بهبود مصرف آن در باغ های استان ضروری است.

رجائی افزود: امروز بد مصرفی و هدررفت فراوان آب در باغ های استان از جمله مهمترین مشکلات بخش کشاورزی است به نحوی که استفاده از شیوه های سنتی حتی در دوران فراوانی آب نیز توجیه ندارد.

وی بیان کرد: در این ارتباط با همکاری سازمان جهاد کشاورزی با اجرای طرح اصلاح شیوه آبیاری در همه باغ های استان بوشهر در دستورکار قرار دارد.

وی با اشاره به مصرف ۹۵ درصد از آبهای سطحی و ۴۰ درصد از آب زیرزمینی در شهرستان دشتستان به



عنوان قطب کشاورزی استان بوشهر گفت: در این ارتباط طرح تحول کشاورزی دشتستان به تصویب رسیده و در دست اجراست.

مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه ای بوشهر حرکت به سمت آبیاری های نوین (نه فقط آبیاری قطره ای) و تغییر واریته ها و گونه های سازگار با کم آبی که توانایی تولید محصول بیشتری نیز دارند را از راهکارهای اصلی این سازمان در این شرایط عنوان کرد.

رجایی ادامه داد: در بخش زراعت با همکاری خوب سازمان جهاد کشاورزی، طرح پهنه بندی کشت در استان بوشهر اجرا شد که با استفاده از اهرم های تشویقی و بازدارنده، می توان به توفیقاتی چون تولید محصول کافی، کنترل بازار و استفاده بهینه از آب دست یافت.

رئیس شورای هماهنگی مدیران صنعت آب و برق استان بوشهر، دومین مصرف کننده عمده آب استان را بخش شرب و خدمات عنوان کرد و گفت: حرکت به سوی کاهش هدررفت مصرف آب شرب توسط مصرف کنندگان و شبکه های توزیع، از اولویت های سازگاری با کم آبی در این بخش است.

رجایی با تأکید بر ضرورت تفکیک آب آشامیدنی از فضای سبز تصریح کرد: الگوی فضای سبز در استان بوشهر باید تغییر کند و نباید آبی که از دوردست برای مصرف آشامیدنی به استان منتقل می شود، به کشت چمن یا درختان پهن برگ اختصاص داده شود.

رجایی درباره وضعیت تأمین آب مورد نیاز صنعت در استان بوشهر گفت: با توجه به برنامه ریزی های انجام شده، این بخش به خطوط انتقال آب، منابع سطحی و زیرزمینی این استان متکی نیست و با ۳۰ میلیون مترمکعب شیرین سازی از دریا، آب مورد نیاز خود را تأمین می کند.

وی افزود: بیش از ۱۷۵ میلیون مترمکعب نیز مجوز جدید برای شیرین سازی آب دریا برای صنایع صادر شده و تا افق ۱۴۰۴، کل نیاز آب صنعت استان از این محل تأمین می شود.

مدیرعامل شرکت آب منطقه ای بوشهر بیان کرد: در صنایع کوچک، استقرار سیستم های بازچرخانی آب، علاوه بر جلوگیری از آسیب رسانی پساب های صنعتی به محیط زیست، سبب کاهش محسوس آب مصرفی این صنایع می شود.

دومین کنفرانس بین‌المللی دوسالانه نفت، گاز و پتروشیمی آبان ۱۳۹۷، بوشهر

+ کارگاه‌های تخصصی و تور اکوصنعتی از خلیج نایبند، تأسیسات پالایشگاهی و پتروشیمی

محورهای کنفرانس:
انرژی-محیط زیست
http://ogpc۲۰۱۸.pgu.ac.ir/en/?id=۲۸&p=۰&s=۱

کمیته علمی:
http://ogpc۲۰۱۸.pgu.ac.ir/en/?id=۴۱&p=۲۳

با مشارکت دانشمندان و پژوهشگران دانشگاه‌های ایران، قطر، عمان، کویت، عراق، اتریش، نروژ، کانادا، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، مراکش، مالزی و هند

سخنرانان کلیدی:
http://ogpc۲۰۱۸.pgu.ac.ir/en/?id=۵۸&p=۱۹

Prof. Ahmad Fauzi Ismail (Malaysia)
Title:State-of-the-Art Membrane Science and Technology in Oil and Gas Industries: Opportunities and Obstacles

Prof. Thomas Kienberger (Austria)
Title: Exergy Efficiency as a design parameter in hybrid energy systems

Dr. Vikram Vishal (India)
Title: Hydro-dynamics of CO۲ flow in unconventional hydrocarbon systems

درباره کنفرانس:

دومین کنفرانس دوسالانه نفت، گاز و پتروشیمی (OGPC۲۰۱۸) یک رویداد علمی بین المللی برای پایش پژوهش‌های علمی و یافته‌های صنعتی جدید در حوزه انرژی و محیط زیست است که توسط دانشگاه خلیج فارس و با همکاری انجمن مهندسی شیمی ایران و مشارکت دانشگاه ها و شرکت ها از بیش از ۱۴ کشور دنیا از جمله حوزه خلیج فارس در ۲۳ آبان ۱۳۹۷ در بوشهر برگزار می‌گردد و برنامه های کنفرانس با برگزاری تور اکو-صنعتی از صنایع عظیم نفت، گاز و پتروشیمی از جمله منطقه پارس جنوبی در عسلویه دنبال می گردد. استان بوشهر به دلیل داشتن میادین متعدد نفتی و گازی، تأسیسات گسترده بالادستی نفت، پالایشگاه‌های گاز، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌های تولید برق که عموما در نوع خود از بزرگترین‌ها در جهان محسوب می‌شوند به عنوان پایتخت انرژی ایران شناخته می‌شود. این کنفرانس قصد دارد که نخبگان دانشگاهی، خبرگان صنعتی و انجمن های مردم نهاد را در حوزه انرژی و محیط زیست با هدف فرهنگ سازی، ارتقا و عرضه تجارب ویژه صنعتی، پژوهش‌ها و اختراعات علمی، توسعه فناوری، پیشرفت پایدار و تبادل دانش گردهم آورد.

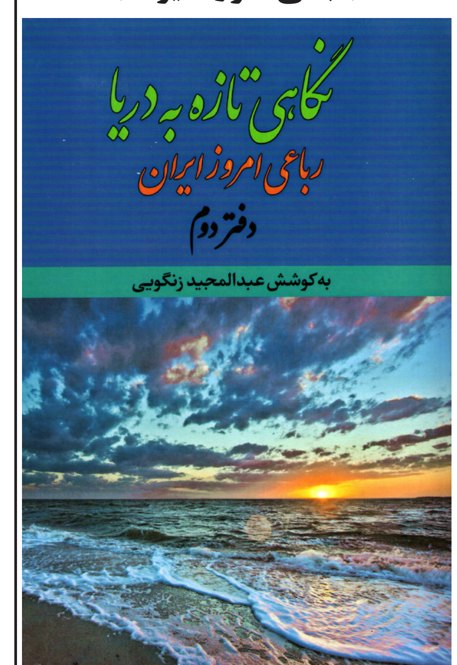
زمان‌های مهم:

فراخوان ارسال مقالات: ۱۲ فروردین ۱۳۹۷
پایان زمان ارسال مقالات: ۲۴ تیر ۱۳۹۷
اعلام نتایج داوری: ۲۴ شهریور ۱۳۹۷
پایان زمان ثبت نام: ۸ مهر ۱۳۹۷
برگزاری کنفرانس: ۲۳ آبان ۱۳۹۷

توریسم اکو-صنعتی در استان بوشهر پایتخت انرژی ایران
ir/ .http://www.ogpc۲۰۱۸
۵۴=p&۵۵=en/?id

معرفی کتاب

نگاهی تازه به دریا (رباعی امروز ایران)



این کتاب به کوشش عبدالمجید زنگویی تهیه گردیده است. در پیشگفتار این کتاب چنین آمده است: پس از چاپ دفتر نخست (نگاهی تازه به دریا) که گزینه ی رباعی حدود ۴۸۰ شاعر از صدر مشروطیت تا به امروز را در بر می گیرد، دریافتم که بسیاری از شاعران رباعی سرا از قلم افتاده اند. رباعی سرایانی مطرح و معروف با آثاری خواندنی و در خور پرداخت.

ترانه، اعم از رباعی یا دوبیتی از آن گونه های شعری هستند که بیش از هر گونه ی دیگر ممکن است از نام شاعری به شاعر دیگر و یا از دفتری به دفتر دیگر جا به جا شود. به همین روی است که می بینیم سدها رباعی از جاهای دیگر به نام خیام به ثبت رسیده در حالی که از خیام نیستند و حتی از دیدگاه فکری و اندیشه هم با خیام خوانش ندارد و یا رباعی هایی که به نام حافظ، ابوسعید ابی الخیر، حسین منصور حلاج، عطار، مولانا و... به ثبت رسیده و یا جا به جا شده اند. در دوبیتی این اختلاط و جا به جایی بیش از رباعی دیده می شود. چرا که ترانه ها در روستاها و کوهپایه ها هم نفوذ دارد و در اصل از آن جاها برخاسته است و به وسیله ی آدم های کم سواد و گاه بیسواد هم خوانده می شوند برای نمونه در جنوب ایران می بینیم که سدها دوبیتی از ترانه سرایان با خواندگان و نسخه برداران جا به جا شده اند به ویژه آن جا که پای ادبیات شفاهی در بین باشد. و رباعی با همه کوچکی ظرف و قالب، پایان و نقطه ی اوج شعر فارسی است، گونه ای از شعر که هرگز تری و تازگی و اثرگذاری خود را از دست نمی دهد، قالبی کوچ با محتوا و مفهومی بلند و ژرف و گسترده که برای هر موضوع و مطلبی مناسب است.

در زیر نمونه یی از این مجموعه رباعی آورده شده است:

افتاد به روی دست ساحل دریا
چون کشتی مانده در بر گل دریا
آشفته تر از همیشه می گوید از
آن داغ نشسته بر سر دل دریا

معصومه احمدی منش زاده سال ۱۳۶۲، کاکی (دشتی، استان بوشهر) این کتاب توسط انتشارات لیان به چاپ رسیده است.

هنرمندان به نیاز جامعه توجه کنند

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری بوشهر از تلاش برای توسعه و ارتقای هنر در استان خبر داد و گفت: ماندگاری آثار هنری نیازمند توجه به نیازهای جامعه است. به گزارش خبرنگار مهر، مجید خورشیدی در مراسم هنر انقلاب استان بوشهر اظهار داشت: بسیاری از چهره‌های دینی و تاریخی را فقط در قالب هنر دیده‌ایم و هنر کمک کرده تا با تاریخ خود بیشتر آشنا شویم.

وی اضافه کرد: عظمت هنر این است که به مانایی چهره‌ها و اندیشه‌ها در طول تاریخ کمک کرده است. اگر قوم و یا گروهی در تاریخ ماندگار می‌شود به علت داشتن هنر است. اگر هنر نبود ما هم تاریخ خود را به خوبین می‌شناختیم.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری بوشهر با اشاره به اینکه بسیاری از موضوعات تاریخی با هنر به ما انتقال یافته است، خاطرنشان کرد: اگر شاعران ما اندیشه خود را به هنر مزین نمی‌کردند ما هم فردی به نام حافظ و سعدی و فردوسی را نمی‌شناختیم. اگر بخواهیم اندیشه این نسل را به نسل‌های بعد منتقل کنیم راهی جز آراستن اندیشه امروز به هنر نداریم و هنر می‌تواند در زمینه‌های مختلف از جمله سخنوری، خطنگاری، کار تجسمی و تصویری و . . . باشد.

غلامرضا فرج زاده بازیگر فیلم پاپ در مصاحبه با هفته نامه نسیم جنوب:

فیلم پاپ در بوشهر غریب واقع شد



– لطفاً خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید؟
– غلامرضا فرج زاده هستم، اهل و ساکن شهر عشق بوشهر و در کوچه پس کوچه های محله جبری قد کشیدم و در خور دی سیفو بزرگ شدم. از کوچکی هم طرفدار تیم مظلوم ایرانجوان بودم.
– از سابقه هنری خودتان بگویید؟
– شروع کارم در سال ۵۲ با نمایش معروف قلندرخونه با استاد صغیری بود و بعد از آن در محپلنگ و بعد از انقلاب هم نمایش های گدام کار غلامرضا احمدی و حلبی آباد و سلبریتی های گمنام کار فرامرز کلانتری در حوزه تئاتر. اما در فیلم ها: شروع آن نقش کوچکی در سفر غریب به کارگردانی استاد صغیری، فیلم شروه نوای دل آقای مسعود مهیمنی، فیلم درساخته محسن مخملباف و تنهای تنهای تنها، پاپ و تیکاف هر سه به کارگردانی احسان عبدی پور و مروا و بازگشت ساخته کریم فائقیان می باشد.
– چه شد که برای بازی در فیلم پاپ انتخاب شدید؟
– با توجه به همکاری های قبلی و شخصیت فیلم انتخاب شدم.
– فیلم نامه این فیلم را چگونه دیدید؟
– فیلمنامه را بسیار دوست دارم، خصوصاً اپیزود پاپ که به نوعی تصویری از زندگی جنوبی ها علی الخصوص بوشهری هاست.
– در فیلمنامه شاهد گره خوردن چند موضوع با یکدیگر هستیم. نظرتان درباره این گونه فیلم ها چیست؟
– البته این گونه فیلم که سه داستان در یک فیلم درهم تنیده شده باشند، کمتر دیده شده و برای تماشاگر عام هم یک بار دیدن سخت است و پذیرشش به گونه ای که اگر یک پلان فیلم از دست بدهی شاید کل داستان را از دست داده باشی که برای بعضی از بینندگان هم رخ داده بود ولی با توضیح و دوباره دیدن، مشکل رفع می شود.
– نقش شما در بازی در فیلم پاپ چه بود؟
– جالب این که همگی در فیلم اسم خودشان را داشتند و من نقش فرج را در این فیلم بازی می کردم. دغدغه اش موفقیت و نقش سیاه ها در دنیا هست و خبرهای آنها را پیگیری می کند که تا کجا رسیده اند و چه قله هایی را فتح نموده اند. در فیلم قرار است پاپ رهبر کاتولیک های جهان انتخاب شود و یک سیاه نیجریه ای هم کاندیدا است و فرج پیگیر که انتخاب می شود یا نه.
– کارگردانی احسان عبدی پور چگونه بود؟
– بسیار حرفه ای، ریزترین نکته از دیدش مخفی نمی ماند. مثلاً در پلان کتابفروشی بعد از درگیری و خروج من گفتند که شما در دوربین نگاه کردی بدون اینکه فیلم را دیده باشد و من هم انکار می کردم ولی وقتی فیلم را دیدیم حق را به او دادیم و ناخواسته من نیم نگاهی به دوربین انداخته بودم.
– آیا احسان آزادی عمل را به بازیگران می دهد؟
– صد در صد نه، ولی تا حدودی وقتی مطمئن از بازی بازیگر شد آن وقت دست او را باز می گذارد.
– از زمان فیلمبرداری پاپ بگویید؟
– یکشب چنان مردمِ در حیاط فیلمبرداری هجوم آورده بودند که اصلاً جای حرکت نبود که بعد از پذیرایی و شام و دیر موقع شدن شب، از تعداد کم شد و ما توانستیم کار کنیم، شبهایی داشتیم که هوا فوق العاده گرم و طاقت فرسا و فیلمبرداری هم در اتاق کوچک و تکرار و تکرار تا به دلخواه برسد.
– در این فیلم شاهد بازی بازیگران بومی بودیم، این بازی ها را چگونه دیدید و آیا توانسته اند از عهده بازی در این فیلم به خوبی برآیند؟
– کاش خوانندگان شما بودند چه در تهران و چه جاههای دیگر و عکس العمل مردم درباره بازیگران بومی استان را می دیدند که با واکنش و استقبال آنها به اهمیت کار خودمان پی می بردیم.
– آیا به نظرتان توانستند از ایفای این نقش برآیند؟
– کاش این سؤال از مردم بعد از دیدن فیلم می پرسیدید، ولی به نظر خودم همه عالی ایفای نقش کردند.
– بازی در فیلم پاپ چه سختی هایی برای شما داشت؟
– سختی های زیادی در طول فیلم پیش می آمد که هیچکدام هم قابل پیش بینی نبود و بایستی از آن گذشت اما بعد از این همه سختی الان دیدن نتیجه کار بسیار شیرین است.
– چه خاطره ی شیرینی از این نقش دارید؟
– خاطره بسیار زیاد است، در سکانسی که خبر کاندیدا شدن به سیاه را به ابرام می دهم و اعلام می کنم اشپیگلِ و لوموند هم تیتر زدند چند بار و در فاصله تقریباً یک هفته گرفته شد. در بار اول شربت ویمتو دادند به من و خوردم و گرفته شد ولی در بار دوم آب رنگ دادند که من هم باز هم خوردم ولی کات دادم و گفتم این آب رنگه نه شربت.
– کار گروهی هنرمندان بوشهر با هم در یک فیلم سینمایی چه خوبی ها و چه بدی هایی دارد؟
– خوبیش این است که همه حرمت همدیگر را دارند و در فکر این نیستند که زود تعهدشان نسبت به فیلم و تهیه کننده تمام شود و دنبال فیلم بعدی باشند. روزهای آخر ناراحت بودیم از این که دیگر دور هم نیستیم. بدی کار هم برای سرمایه گذار و تهیه کننده است، وقتی تماشاچی سردر سینما یک اسم سوپراستار را نمی بیند میل و رغبتی برای دیدن فیلم ندارد، تا این که نقدی بخواند یا تعریفی از فیلم بشنود. برای فیلم پاپ به بیننده اعلام می کردیم ما پولی برای تبلیغ نداریم و اگر واقعاً فیلم را پسندید مبلّغ شوید و خدا را شکر تا حالا هم خوب پیش رفته است ممنون از همه بزرگواران.
– بیشترین زحمت فیلم پاپ برعهده چه کسی بود چرا؟
– زحمات اصلی بر دوش دو برادر عبدی پور بودِ چه احسان کارگردان و چه ادریس تهیه کننده. مثلاً دوست داشتم یک روز کارگردان همزمان با ما بیاید ولی هر روز زودتر از ما در سر صحنه حاضر بود. تهیه کننده هم بدون تعارف عرض کنم سنگ تمام نهاد، آنهایی که با آنها کار می کردند می دانند.
– نظر بینندگان فیلم پاپ در مورد این فیلم چیست؟
– شاید باورتان نشود خودمان انتظار این همه استقبال نداشتیم. البته در خارج از بوشهر بیشتر، چه پیغامها و صحبت هایی که در شبکه های اجتماعی دریافت نکرده ام و در همین ایام چقدر دوستان اهل سینما و ادب که در چهار گوشه ایران پیدا کرده ایم.
– به غیر از خودتان، کار کدام یک از بازیگران فیلم پاپ را می پسندید؟
– همگی بچه ها کارشان عالی و همین جا به آنها خسته نباشید می گویم.
– در یک جمله آقای عبدی پور را تعریف کنید؟
– دوست داشتنی، با انضباط در کار و جدی.
– در سینما کار کدام هنرپیشه خارجی و ایرانی را می پسندید؟
– دنزل واشنگتن و مورگان فریمن و اگر می توانستم جای یکی از بازیگران خارجی باشم دوست داشتم جای یکی از این دو بودم.
– در حال حاضر به چه کاری مشغول هستید؟
– مشغول تمرین در تئاتر خیابانی هستم.
– آیا دوست داشتید زودتر وارد سینما شوید؟
– از جوانی وارد تئاتر که عشقم هست شدم و هر دو چه تئاتر و چه سینما را بسیار دوست دارم و نقش هایی که به من پیشنهاد می شود و مورد پسندم می باشد با عشق می پذیرم.
– چه صحبتی با خوانندگان نسیم جنوب دارید؟
– اول تشکر از جریده وزین نسیم جنوب و دوم این که فیلم پاپ در بوشهر غریب واقع شد، چه در تبلیغات و چه در نمایش فیلم. گرچه تابلوهای شهرداری برای کارهای هنری است ولی آیا تبلیغ ایرانسل و مبل و کولر از کارهای فرهنگی است؟ و فیلم بوشهری جز کالای فرهنگی محسوب نمی شود؟ دوستانی داریم اهل ادب و سینما، وقتی دعوتشان می کنیم برای دیدن فیلم می گویند منتظر هستیم تا سی دی فیلم بیرون بیاید بعد می بینیم این هم یک نوع حمایت هست.

احسان عبدی پور:

«پاپ» مظلوم ترین فیلم من است



مراسم اکران خصوصی فیلم سینمایی «پاپ» پس از پنج سال با حضور عوامل فیلم و اهالی سینما در موزه سینما برگزار شد.

به گزارش سینماپرس، در مراسم اکران خصوصی فیلم سینمایی «پاپ» که با استقبال علاقه‌مندان مواجه شد، محمد آلادپوش، نازنین مفخم، مسعود سخاوت‌دوست، عرفان یزدی، حسین مظفری، گلنسا خبرخوش از عوامل فیلم و حدیث چهره‌پرداز، توماج پورمراد، غلامرضا فرج‌زاده، ابراهیم تمهید، علی ضاحیان، گلنسا خبرخوش و داریوش غریب‌زاده از بازیگران فیلم و احسان عبدی‌پور نویسنده و کارگردان فیلم «پاپ» حضور داشتند.

«پاپ» میزبان مهمانان بسیاری از اهالی سینما، فرهنگ، دانشگاه و سیاست بود؛ از جمله مصطفی زمانی، همایون ارشادی، دکتر عماد افروغ، احمد زیدآبادی، حسین فرحبخش، علی دهکردی، کامران قدکچیان، محمدرضا صفدری، مجید برزگر، ناصر شفق، محسن شریفیان، لیلا بلوکات، دکتر یونس نوربخش، محمود کریمی، محمد حمزه ای، فراز بهزادی و ... در کنار سایر هواداران سینمای هنر و تجربه در آیین دیدار «پاپ» حضور داشتند. استقبال از مراسم به حدی بود که تعداد زیادی از حضار، ایستاده فیلم را تماشا کردند.

پس از ثبت عکس‌های یادگاری و امضای پوستر فیلم، صد و هفتاد و هفتمین آیین دیدار فیلم‌های گروه هنر و تجربه با دعوت از احسان عبدی پور روی صحنه آغاز شد.

احسان عبدی پور از حاضرین در سالن که برای تماشای فیلم «پاپ» آمده اند، تشکر کرد و گفت: «من در کارنامه کاری‌ام چندین فیلم ساخته‌ام، ولی «پاپ» مظلوم‌ترین فیلم من است و امشب تلاش می‌کنم با وجود احساساتی بودنم، خودم را کنترل کنم و هیچ واکنش عاطفی‌ای نشان ندهم. این کارم را بسیار دوست دارم».

غایب بزرگ مراسم ادریس عبدی پور، تهیه کننده فیلم «پاپ» بود و احسان عبدی پور این گونه از او یاد کرد: «امشب تنها ناراحتی من، نبودن برادرم ادریس است. او که تهیه‌کننده فیلم است و این فیلم را با خون دلش ساخت. لطفا او را تشویق کنید. او تنها تهیه‌کننده‌ای بود که با همه بی‌پولی‌ها و مشکلاتش، به تمامی از فیلم و ساخت آن حمایت کرد و اگر او نبود فیلم جمع نمی‌شد. در سخت‌ترین شرایط مالی به من قوت قلب می‌داد و ناممکن‌ها را ممکن کرد. هر چقدر جلوتر رفتم، دلم برای کار کردن با او تنگ شد».

پیش از اینکه عوامل فیلم به روی صحنه بیایند، کارگردان فیلم «پاپ» از محمدرضا صفدری، نویسنده آثاری مانند «سیاسنبو» دعوت کرد تا به روی صحنه بیاید و درباره او گفت: «می‌خواهم مردی را تشویق کنید که امشب اولین بار است او را می‌بینم؛ ولی آنقدر در زندگی من تأثیرگذار بوده است که هیچ‌وقت تأثیرش از بین نخواهد رفت. او نویسنده کتابی است که من در سنین نوجوانی آن را خواندم. از محمدرضا صفدری صحبت می‌کنم که خواندن کتاب «سیاسنبو»ی او بسیار بر من تأثیر گذاشته است. او قلم شریفی دارد و با نویسندگان دیگر متفاوت است».

پس از حضور عوامل بر روی صحنه که با تشویق حاضرین همراه بود، فیلم سینمایی «پاپ» در سالن فردوس به نمایش درآمد.

«پاپ» از روز دوشنبه ۲۸ اسفندماه در گروه هنر و تجربه روی پرده رفته است و علاوه بر تهران در شهرهای شیراز، مشهد، اصفهان، کرمان، اهواز، بابل و .... به نمایش درآمده است.

در خلاصه‌ی داستان فیلم آمده است: «کاردینال غنا یا نیجریه به احتمال خیلی زیاد پاپ بعدی و رهبر واتیکان خواهد بود و این احتمال، نظم زندگی خانواده‌ی فرج که مثل پاپ سیاه‌پوست هستند را برهم‌زده است. فیلم «پاپ» سه داستان در هم فرو رفته از این خانواده سیاه‌پوست را روایت می‌کند؛ دختر دانشجویی که مستأجر خانواده است و باید به هر شکلی به نامزدش که در بند است، کمک کند تا به ربوکاپ مکزیک برسد، پسر خانواده که به امید طی کردن کانال مانش هر روز در دریا شنا می‌کند و پاپ که قرار است بعد از کاخ سفید کلید واتیکان را هم در دست سیاهان بگذارد تا بالاخره تاریخ، بدهی‌اش را به سیاه‌ها پس بدهد».

عوامل فیلم عبارتند از: نویسنده و کارگردان: احسان عبدی‌پور، تهیه‌کننده: ادریس عبدی‌پور، مدیر فیلمبرداری: محمد آلادپوش، تدوین: نازنین مفخم، صدابرداری: جهانگیر میرشکاری، طراح چهره‌پردازی: جلال امیری‌مرند، صداگذاری: عرفان یزدی، طراح صحنه و لباس: پگاه زنگویی‌فرد، جلوه‌های ویژه بصری: سیدشهاب‌الدین نجفی، موسیقی: مسعود سخاوت‌دوست، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: حسین مظفری، مدیر تولید: ادریس عبدی‌پور، مدیر صحنه: جعفر بهبهانی، عکاس: نواب موسوی، مشاور رسانه‌ای: سعیده الله‌دادی.

یادداشت کارگردان: «پاپ» را آن‌طور ساختم که وسط یک گشنگی شبانه بالاخره تردیدت را پس می‌زنی پا می‌شی یک چیزی می‌سازی و می‌خوری. منتهی با یک یخچالی که هیچ توش نیست.
ما هیچ نداشتیم، مجوز نداشتیم، ادوات رد کردن بروکراسی نداشتیم، و همان همیشگی، پول هم نداشتیم!
منتهی بعد از فیلم اولم یک کاویتاسیون کشنده و کُشنده ای بود که داشت زور و سعی اش را می کرد که ببرتم. من از ترس بلعیده نشدن بود که پا شدم و دوروبری‌هام را بلند کردم و «پاپ» را ساختم. خب راستش در یک جامعه مصادره‌گر که همه می‌خواهند یار جمع کنند، یک جورهایی نشدن، از یک جوری شدن سخت تر است. من به نظرم یار کسی نیستم، خب البته کسی هم یار نیست. گله هم که به هکذا؛ نیست. یِر به یِر. تمام.

پوستر فیلم «پاپ» به کارگردانی احسان عبدی پور



اولین پوستر فیلم سینمایی «پاپ» ساخته احسان عبدی‌پور و تهیه‌کنندگی ادریس عبدی‌پور رونمایی شد.

گفتنی است، طراحی این پوستر را امین شفیعی بر اساس عکسی از نواب موسوی برعهده داشته است.

«پاپ» بعد از فیلم سینمایی «تنهای تنهای تنها»، دومین ساخته احسان عبدی‌پور است که چهار سال سال بعد از ساخت از دوشنبه ۲۸ اسفند در گروه «هنر و تجربه» اکران شده است.

غلامرضا فرج زاده، توماج پور مراد، حدیث چهره‌پرداز، مرضیه بردک‌نیا، لیلا دمان، داریوش غریب‌زاده، گلنسا خبرخوش، ابراهیم تمهید، حسین قفلی، رضا ناجی و عباس باک بازیگران فیلم «پاپ» هستند.

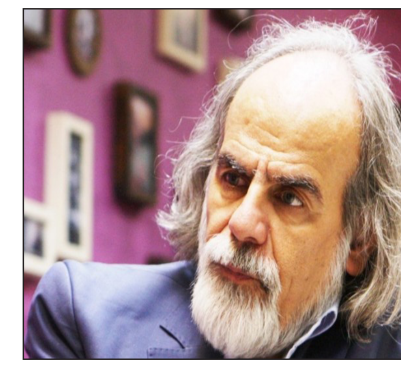
«پاپ» از روز دوشنبه ۲۸ اسفندماه در گروه «هنر و تجربه» روی پرده رفته است و علاوه بر تهران اکران خود در سایر شهرستان‌ها از جمله مشهد، اصفهان، شیراز، بابل، کرمان، رشت، تبریز و... آغاز کرده است.

در خلاصه داستان فیلم آمده است: «کاردینال غنا یا نیجریه به احتمال خیلی زیاد پاپ بعدی و رهبر واتیکان خواهد بود و این احتمال، نظم زندگی خانواده فرج را که مثل پاپ سیاه‌پوست هستند، برهم‌زده است. فیلم «پاپ» سه داستان در هم فرو رفته از این خانواده سیاه‌پوست را روایت می‌کند؛ دختر دانشجویی که مستاجر خانواده است و باید به هر شکلی به نامزدش که در بند است، کمک کند تا به ربوکاپ مکزیک برسد، پسر خانواده که به امید طی کردن کانال مانش هر روز در دریا شنا می‌کند و پاپ که قرار است بعد از کاخ سفید کلید واتیکان را هم در دست سیاهان بگذارد تا بالاخره تاریخ، بدهی‌اش را به سیاه‌ها پس بدهد.»

مقاله
شماره ۸۵۹ یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

سنجه های نادرست روانشناختیِ اخلاقی زیستن/نزیستن

دکتر مصطفی ملکیان



۱- گفته‌اند کسی اخلاقی است که دیگران از او نرنجند و به میزانی که کسی از انسان برنجد غیراخلاقی‌تر است. این نادرست‌ترین سنجه برای تعیین اخلاقی زیستن یا اخلاقی نزیستن است. در گذشته میان درد و رنج لازم و درد و رنج غیرلازم تفکیک کرده و گفته بودم آنچه اخلاقی بودن انسان بر آن مترتب است این است که درد و رنج غیرلازم به کسی وارد نکند، والا درد و رنج لازم نه‌تنها با اخلاقی زیستن منافات ندارد، بلکه، خواهم گفت، اصولاً اخلاقی زیستن باعث می‌شود که درد و رنجهای لازم به دیگران وارد آید. هر اندازه هم که درد و رنج لازم متراکم شود نشان نمی‌دهد که انسان اخلاقی نزیسته است، البته عکس آن درست نیست، یعنی این طور نیست که هر کس که به دیگران درد و رنج لازم وارد می‌کند اخلاقی زندگی می‌کند. بنابراین، این سخن فقط دربارهٔ درد و رنجهای غیرلازم درست است.

– نکته دیگر اینکه اساساً ممکن نیست انسان طوری زندگی کند که هیچ کس از او درد و رنج نبیند، چون درد و رنج دیدن یا ندیدن به دیدگاه انسان بستگی دارد. به تعبیر دیگر، درد و رنج خاصهٔ افعال انسانها نیست، بلکه نسبتی است که رفتار انسان با دیگران ایجاد می‌کند و اینکه این نسبت برقرار می‌شود یا نه و چقدر درد و رنج‌زاست به دیدگاه دیگران بستگی دارد. اما دیدگاه همهٔ انسانها هم عین یکدیگر نیست، پس نتیجه می‌شود که ممکن نیست فعلی به همه درد و رنج وارد کند یا نکند، چون باورها، احساسات و عواطف و هیجانات و خواسته‌های انسانها با هم متفاوت است. بنابراین، انجام دادن کاری که به هیچ کس رنج نرساند در وسع انسان نیست، چون یکی کردن دیدگاه همهٔ انسانها در وسع انسان نیست.

– از سوی دیگر، علاوه بر اینکه این کار ممکن نیست، لااقل به دو جهت مطلوب هم نیست: یکی اینکه بعضی از انسانها در یک باتلاقها و مردابهای فرودین اخلاقی‌ای زندگی می‌کنند که وقتی از انسان راضی می‌شوند که انسان را به همان باتلاق و مرداب بکشانند و این مطلوب نیست. (به تعبیر قرآن: «لن ترضی عنک الیهود و النصاری حتی تتبع ملتهم».) البته هستند نوادری که از انسان راضی نمی‌شوند مگر اینکه انسان به سطح بالایی برود که آنها در آن هستند، اما اینان نادرند (هر چند من این را هم مطلوب نمی‌دانم).

– یکی از مشکلاتی که همرنگی با جماعت ایجاد می‌کند این است که اگر انسان جویای همرنگی با جماعت باشد مجبور خواهد شد که فتیلهٔ استعدادهای اخلاقی و معنوی خود را پایین بکشد. به تعبیر آکوئینی، در انسان هم میل به فراروی هست و هم میل به فروروی، اما میل به فروروی بیشتر هست و بنابراین، بیشتر اطرافیان انسان می‌خواهند او را به همان حدی که خودشان فرو رفته‌اند بکشانند. جهت دوم این است که به همان استدلالی که انسان می‌خواهد دل دیگران را به دست آورد به طریق اولی باید دل خود را به دست آورد. همهٔ کسانی که نمی‌خواهند دیگران را برنجانند یکی یا چند تا از سه دلیل زیر را به کار می‌برند که به موجب همین استدلالها انسان موظف است که دل خود را به دست آورد.

الف) دیگری را نباید رنجاند چون موجودی است دارای علم و اراده و هر موجودی که علم و اراده داشته باشد را نباید از خود رنجاند. پیتر سینگر، فیلسوف اخلاق معروف استرالیایی زمان ما، این استدلال را به کار می‌برد، چون به نظر او موجودی که علم و اراده هر دو یا یکی را ندارد نه مستعد درد و رنج است و نه مستعد شادی و لذت. این استدلال قابل قبول است و بنابر آن حتی کرمها هم استعداد درد و رنج و شادی و لذت دارند، چون اگر سوزنی به آنها بزنید خود را جمع می‌کنند. این استدلال همهٔ کسانی است که گیاهخوارند (البته اگر روزی معلوم شود که گیاهان هم درد و رنج عایدشان می‌شود از خوردن آنها هم باید دست کشید). خود انسان هم علم و اراده دارد، پس به موجب همین استدلال به خود نیز نباید درد و رنج رساند.

ب) دیگری را نباید رنجاند چون انسان است. خب خود ما هم انسان هستیم. قبلاً گفتم بیشتر ما طوری رفتار می‌کنیم که گویی دیگران مقصرند که دیگران‌اند و من نیستند، یعنی انسان کاری را که دوست ندارد با خودش بکند با دیگران می‌کند، گویی به زبان حال می‌گوید تقصیر خودشان است که من نیستند، اما، از سوی دیگر، اقلیتی هم هستند که طوری رفتار می‌کنند که گویی مقصرند که خودشان هستند. مثلاً اگر دوستشان بیمار شود او را نزد پزشک می‌برند، اما خودشان را نه. البته این اقلیت شریف‌تر از آن اکثریت هستند، اما عمل اینها هم ظلم است.

ج) دیگری را نباید رنجاند، چون به ما نیکی کرده است. این استدلال هم دربارهٔ خود انسان صادق است، چون هیچ کس به اندازهٔ خود ما به خودمان نیکی نکرده‌ایم. بنابراین، اگر امر دائر شد بین اینکه عمل اخلاقی‌ای که انسان انجام می‌دهد به دیگران درد و رنج وارد کند یا به خودش، البته باید خود را ترجیح دهد؛ انسان چه حقی دارد که به دیگران درد و رنج وارد نکند اما به خود وارد کند؟

۲- گفته‌اند کسی اخلاقی است که محبوب همگان باشد و به میزانی که دیگران او را دوست دارند او اخلاقی است. یعنی گویا محبوبیت سنجهٔ اخلاقی زیستن است و این غیر از سنجهٔ اولی است. این سنجه هم به دو دلیل مهم سنجهٔ درستی نیست. الف) بسیاری از انسانها هستند که به خاطر قصور علم یا فهم یا قدرت تفکر یا تجارب زندگیشان نمی‌فهمند که انسان چه خدمتی به آنها می‌کند و بنابراین نزدشان محبوب نیست. معمولاً انسان متوجه نیست که دیگران چه خدمت یا خیانتی در حق او می‌کنند و بنابراین خادمان واقعی نزد او مبغوض می‌شوند و خائنان واقعی محبوب. ب) بسیاری از کارهای اخلاقی اصلاً به آستانهٔ آگاهی دیگران نمی‌رسد تا محبوبیت‌آور باشند، اما پیش‌فرض این ادعا این است که هر عمل اخلاقی‌ای حتماً اثرش به دیگران می‌رسد. بیشتر اخلاقی زیستنها نوعی ماجراجویی درونی انسانهاست، برخلاف حقوق که کاملاً اثر بیرونی دارد؛ هرچه در حقوق گفته‌اند که باید انجام داد به این دلیل است که علی‌الاصول اثر مثبت بر دیگران دارد و برعکس، اما در اخلاق این طور نیست.

۳- سنجه دیگر سنجه‌ای است که معمولاً روانشناسان به آن بیماری راضی کردن یا بیماری آرامش به هر قیمتی می‌گویند. بنا بر این دید، کسانی اخلاقی‌اند که تا می‌توانند میان اطرافیان آرامش برقرار می‌سازند و اجازه نمی‌دهند که اختلاف میان دیگران بالا بگیرد. اینها کسانی‌اند که همواره برای برقراری مصالحهٔ میان دیگران به یکی می‌گویند: «حق با توست، ولی...» و به دیگری می‌گویند: «حق با اوست، اگرچه...». اینان فکر می‌کنند که خیر در این است که همیشه آرامش برقرار باشد و معمولاً هم قیمتش را خودشان می‌پردازند و مجبور می‌شوند مرتکب اعمال غیراخلاقی شوند و مثلاً دروغ بگویند. در حالی که انسان وقتی باید به دنبال برقراری آرامش باشد که نداند حق با چه کسی است و چه کسی بر باطل است. این مشکل هم از آنجاست که به تفاوت میان اخلاق و حقوق توجه نشده است: فونکسیون حقوق قضایی و به تبعش حقوق جزایی فیصله دادن نزاع است، چون نهاد حقوق قضایی و حقوق جزایی برای این به وجود آمده است که انسانها با فهم عرفیشان دانسته‌اند که کار جامعه با نزاع پیش نمی‌رود و باید نزاعها به حداقل ممکن برسند. از این رو، به سراغ نهاد قضاوت رفته‌اند تا جامعه بتواند تداوم یابد، والا اگر بنا بود که حق به حق‌دار برسد، آیا ممکن است طرفین نزاع که خود از حاق واقع باخبرند به سراغ قاضی‌ای بروند که بی‌خبر از حاق واقع است تا او نزاع را فیصله دهد؟ از این رو دربارهٔ قاضی گفته‌اند که قاضی «جاهلٌ جالسٌ بین العالمَین» است. فونکسیون قضاوت رساندن حق به حق‌دار نیست، بلکه فیصلهٔ نزاع است و بنابراین وقتی قاضی حق را به کسی می‌دهد که اسناد و مدارک حکم می‌کند، هم کسی که اسناد و مدارک محکمه‌پسند داشته راضی می‌شود، چون قضاوت مطابق اسناد و مدارکش بوده و هم کسیکه احتمالاً مظلوم واقع شده است، چون می‌داند که اسناد و مدارک محکمه‌پسند نداشته است. به تعبیر پیامبر اسلام: «نحن القضاه نحکم علی الظواهر و الله یحکم علی السرائر».

۴- سنجه دیگر، که متأسفانه در تربیت ما هم هست، این است که اخلاقی بودن انسان به میزانی است که کوتاه می‌آید، یعنی به میزانی که دیگران چیزی را که از او می‌خواهند به دست آورند به دست بیاورند. می‌گویند که پدر و مادر اسپینوزا، فیلسوف و انسان بزرگ و از معدود فیلسوفانی که واقعاً فیلسوفانه می‌زیست، از دنیا می‌روند و او و خواهرش وارثان آنها می‌شوند، اما خواهرش می‌خواست حق او را به او ندهد و اسپینوزا از او به دادگاه شکایت کرد و دو سال و نیم دادگاه آنها طول کشید و نهایتاً اسپینوزا حق خود را گرفت و این مایهٔ تعجب همهٔ کسانی شد که او را می‌شناختند، که چه طور کسی که زندگی را سه‌طلاقه کرده بود دو سال و نیم در دادگاه حاضر شد تا ارثش را بگیرد. اما پس از اینکه اسپینوزا حق خود را گرفت در همان دادگاه همه را به خواهرش بخشید و گفت انسانها باید بدانند که انسان اخلاقی باید از حق خود دفاع کند، اما در عین حال بخشش هم داشته باشد. سخنی که از قول عیسی نقل کرده‌اند مبنی بر اینکه اگر کسی به گونهٔ راستت نواخت گونهٔ چپت را هم مهیا کن، از این دیدگاه قابل دفاع نیست (اما از دیدگاه اخلاق فضیلت قابل دفاع است)، یعنی اینکه انسان نباید آنقدر اهل کینه باشد که اگر کسی به او ظلمی کرد چنان باشد که گویی به او هدیه داده‌اند.

(مصطفی ملکیان،روانشناسی اخلاق، جلسه ۴۶، موسسه پرسش)

سقوط اعتماد، اوج گیری نرخ دلار

علی دینی ترکمانی

– جنون، هراس، سقوط: چارلز کیندل‌برگر اقتصاددان برجسته ای که هم با طرح نظریه "ثبات هژمونی" و قدرت هژمونیک ثبات‌دهنده به اقتصاد جهانی، نام مطرحی در مباحث روابط بین الملل است و هم یکی از اقتصاددانان مطرح توسعه، در کتابی به نام "جنون، هراس، سقوط" تجربه تعداد زیادی از فروپاشی‌های اقتصادی و مالی از اواخر قرن هجدهم تا ۱۹۷۰ را جمع‌آوری و مورد بررسی قرار داده است. نتیجه نهایی وی که در ویرایش سال ۲۰۰۵ کتاب تکمیل شده، این است که انتظارات نقش مهمی در فروپاشی‌های مالی و اقتصادی دارد. انتظار افزایش قیمت دارایی موجب افزایش تقاضای سوداگرانه برای آن می‌شود. این افزایش تقاضا، موجب افزایش قیمت دارایی و شکل‌گیری دور جدیدی از انتظار افزایش قیمت می‌شود. این دور در مراحل بعد، موجب افزایش بسیار بیش از اندازه قیمت می‌شود. بعد، در نقطه‌ای بر اثر اتفاقی، جنون خرید و سرمایه‌گذاری، به هراس کاهش قیمت و ضرر و زیان ناشی از آن تبدیل می‌شود. این بار، دور در جهت عکس عمل می‌کند. سرمایه‌گذاران برای پیش‌گیری از زیان، شتاب‌زده و هراسناک اقدام به عرضه دارایی خود می‌کنند که موجب کاهش بیشتر قیمت آن می‌شود. وقتی، تقریبا قریب به اتفاق سرمایه‌گذاران دست به چنین اقدامی می‌زنند، بازار دارایی مورد نظر فرو می‌پاشد.

– انتظارات، هراس بانکی و هراس ارزی: حتی در اقتصادهایی که از نظر اطلاعات بنیادین بازار، مانند کسری بودجه و نرخ های تعادلی، وضع مناسبی دارند، مانند کره جنوبی در سال ۱۹۹۷، این امکان وجود دارد که بر اثر شکل‌گیری سازوکار انتظارات، نظام بانکی و نظام ارزی فرو بپاشند. اگر همه افراد بدلیل هراس از ورشکستگی بانکی، به بانک ها هجوم ببرند و اقدام به دریافت سپرده های خود کنند، نظام بانکی ورشکست می‌شود، حتی اگر عملکرد مناسبی داشته باشد. چرا که، سپرده های مردم، در قالب اعتبارات، در اقتصاد به گردش درآمده و بخشی از آن در پروژه‌های سرمایه‌گذاری که هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده، از گردونه منابع نقدی در دسترس شبکه بانکی خارج شده است. بنابراین، شبکه بانکی توانایی پاسخگویی به مطالبه دریافت سپرده‌های ناشی از هراس بانکی را ندارد. همین امر، در مورد بازار ارز نیز صادق است. وقتی بخشی از نقدینگی، بدلیل احتمال افزایش نرخ ارز، به سوی بازار ارز حرکت می‌کند، این بازار دچار تلاطم می‌شود و دور فزاینده انتظارت را شکل می‌دهد؛ در این شرایط تزریق ارز حکم مسکن کوتاه مدت را پیدا می‌کند.

– اگر در اقتصادهایی که عملکرد مناسبی دارند، امکان وقوع هراس بانکی و هراس ارزی وجود دارد، طبعا، این امکان در اقتصاد ایران با عملکرد اقتصادی ضعیف بلندمدت، به مراتب بیشتر است. اقتصادی با میانگین تورم بیست درصدی طی سال‌های بلند گذشته، با مطالبات معوقه حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی ناشی از سوء مدیریت پروژه‌های سرمایه‌گذاری، با ترکیب بسیار نامناسب هزینه‌های جاری و عمرانی ناشی از تو در تویی نهادی، با هزینه‌های قابل توجه حضور در منطقه، با بازار پولی و مالی غیرقابل نظارت، با توزیع نامناسب ثروت و نقدینگی میان گروه های اجتماعی، و با توزیع نامناسب نقدینگی میان رشته فعالیت‌های مختلف اقتصادی و ناتوانی جدی بخش‌های صنعت و کشاورزی در جذب نقدینگی. در این میان، متغیر تعیین‌کننده تنش‌های سیاسی پیرامون پرونده هسته‌ای میان ایران و آمریکا نیز حضور جدی دارد که انتظارات فزاینده تورمی و ارزی را دامن می‌زند و موجب حرکت نقدینگی به بازار ارز می شود.

– در شرایط کنونی گریزی از افزایش نرخ ارز نیست. همین‌طور در این صورت (خروج آمریکا از برجام)، احتمال کاهش صادرات نفت، بازگشت محدودیت‌های پیشین در نقل و انتقال ارز و در گشایش‌های اعتباری وجود دارد. بنابراین، به مانند تأثیر کاهش صادرات نفت در سال ۱۳۹۱ به بعد، باید انتظار منفی شدن دوباره رشد اقتصادی و کاهش میزان بهره برداری از ظرفیت های تولیدی بنگاه‌ها را داشت. همین‌طور باید انتظار افزایش فزاینده و موجی نرخ دلار، هم به دلیل تأثیر انتظارات روانی ناشی از خروج آمریکا و تشدید تقاضای سفته بازانه و هم به دلیل منتقل شدن تقاضای واقعی مرتبط با گشایش‌های اعتباری بانکی به بازار ارز، را داشت.



نرخ دلار از حدود ۱۰۰۰ تومان در ابتدای سال ۱۳۹۰ به حدود ۳۷۰۰ تومان در بهمن سال۱۳۹۱رسید و سپس با طرح ورود آقای هاشمی رفسنجانی در عرصه ی انتخابات و بعد آقای روحانی به حدود ۳۲۰۰ تومان کاهش یافت، اگر این جهش، در یک روش معمولی، مبنای پیش بینی آینده نرخ دلار در شرایط مشابه تحریمی باشد، باید انتظار حدود سه برابر شدن نرخ دلار در عرض دو سال را داشت. البته، این پیش بینی را بر این مبنا که پایه نرخ دلار در حد بالایی است و بنابراین سرعت افزایش آن می‌تواند کمتر از دوره گذشته باشد، می‌توانیم تعدیل کنیم و دست کم دو برابر را در نظر بگیریم که حدود ۷ هزار و ۵۰۰ در سال ۱۳۹۷ و حدود ۱۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۸ است. با افزایش فزاینده نرخ دلار، افزایش قابل توجه سطح عمومی قیمت‌ها در انتظار خواهد بود. به تازگی صندوق بین المللی پول از رسیدن میزان تورم به ۱۲ درصد ذکر کرده است. به نظر من، میزان تورم، (در صورت خروج آمریکا از برجام) می‌تواند به حدود ۲۰ درصد هم برسد.

– شواهد نشان می‌دهد که احتمال عادی شدن شرایط سیاسی ضعیف است. حتی مطرح شدن شرایط اروپا در مورد موشک‌های بالستیک، به معنای شکل گیری مناسباتی متفاوت از سال های ۱۳۹۲ تا پیش از سر کار آمدن ترامپ در آمریکا، میان ایران و اروپا و آمریکاست. بنابراین، دو سناریو را می‌توان با نگاه آینده‌پژوهی در نظر گرفت: سناریوی باقی ماندن آمریکا در برجام به همراه اعمال محدودیت‌های جدید از سوی اروپا؛ و سناریوی خروج آمریکا از برجام. در سناریوی اول، احتمال کمی کاهش در نرخ دلار و بعد افزایش تدریجی دوباره آن به حدود ۶ هزار و ۵۰۰ تومان تا پایان سال وجود دارد. در سناریوی دوم، انتظار رسیدن آن دست کم به حدود ۷۵۰۰ تومان، غیر مترقبه نیست.

– نکته آخر. اقتصاددانان متعارف، در چارچوب "سیاست ارز تک نرخی" به افزایش نرخ دلار خوش آمد می‌گویند و معتقدند این افزایش برای کاهش واردات و رونق صادرات لازم است. این جریان اقتصاددانان، متوجه نیستند که در شرایط کنونی هر افزایشی در نرخ دلار، موجب تشدید انتظارات و افزایش بیشتر آن می شود. از این گذشته، چنین تلاطمی، به معنای اساسا قفل شدن تولید و صادرات مرتبط با آن است. تعدیل برنامه ریزی شده‌ی نرخ ارز (آن هم در اقتصادی که بنیان تولیدی قوی دارد و به زبان فنی اقتصادی می‌تواند شرط مارشال – لرنر را تأمین کند) یک بحث است، و افزایش نرخ ارز به دلیل فشارهای ساختاری بلندمدت ناشی از حکمرانی ضعیف و فشارهای سیاسی بین‌المللی، بحثی دیگر است. دومی، تیشه به ریشه‌ی تولید نیم بند می‌زند و با افزایش میزان فقر و تشدید محرومیت، اقتصاد را به سوی فروپاشی می‌برد.

منبع: کانال توسعه یعنی آزادی، مشارکت، عدالت (علی دینی ترکمانی)

چرا مردم برای خرید ارز صف می کشند؟

دکتر محمد امیرپناهی

در روزهای اخیر افزایش نرخ ارز و هجوم بسیاری از افراد از دلالان بازار ارز گرفته تا مردم عادی برای تبدیل پول در دسترس به ارز خارجی نگرانی ها و نااطمینانی های زیادی در عرصه اجتماعی و اقتصادی کشور ایجاد کرده است. دلایل افزایش نرخ ارز هر چه که باشد چه سیاسی و چه اقتصادی، نشانه ای بارز از یک ویژگی بنیادی ساختار اقتصاد در جامعه ایران یعنی بی ثباتی است که بصورت دائمی به رفتارهای غیرعقلانی و در نتیجه افزایش بحران دامن می زند. اگرچه ممکن است منافع برخی از گروه های قدرتمند در گرو بی ثباتی اقتصادی باشد اما تبعات آن در حوزه اجتماعی و مقوله "ارزش کار" غیرقابل جبران است. در فضای نااطمینانی اقتصادی و تولید و تکثیر مستمر شوک در عرصه اقتصاد و کاهش سرمایه اجتماعی، "دلالی" جایگزین مقوله "کار" می شود. ارزش کار، نیروی کار و تولیدکننده تنزل می یابد و دائما در نتیجه فرایندهای بی ثبات سازی و موقتی سازی به حالت احتضار در می آید. وقتی به تبیین های جامعه شناختی ظهور تمدن غربی نگاه می کنیم می بینیم که ماکس وبر یکی از معروف ترین جامعه شناسان غربی بنیان نظام اقتصادی و سیاسی در غرب را مقوله "کار" می داند. از نظر وی "کار" سرچشمه انباشت سرمایه و شکل گیری نظام سرمایه داری به عنوان شکل جدیدی از سازمان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در تمدن غرب است. از این منظر مسأله مهم این است که در کشور ما بر اثر فرایندهای مختلف سیاسی و اقتصادی چه بلایی بر سر مقوله کار آمده است و چگونه است که تجارت پول (چه در قالب خرید



و فروش ارز و طلا و چه در قالب سپرده گذاری در مؤسسات بانکی آن هم مؤسساتی که با وعده سودهای بیشتر سرمایه های مردم را بالا می کشند) اهمیت بیشتری پیدا کرده است. هجوم بسیاری از مردم برای خرید ارز در چنین فضایی قابل تحلیل است. ریسک بالای فعالیت های تولیدی و بی ثباتی دائمی اقتصاد به نگرانی مردم در ارتباط با تحقق خواست هایشان و نیز کاهش ارزش نقدینگی شان در برابر پول خارجی دامن می زند. در نتیجه تجارت پول به تنها گزینه ممکن برای آنها بدل می شود. ذهنیت جامعه ایرانی همواره گرفتار این قضیه پایان ناپذیر بوده است که گویی اقتصاد ایران بنا ندارد از این وضعیت آلاکلنگی خارج شود. در چنین فضایی اعتماد نهادی کاهش می یابد و واکنش های آنی و محاسبات فردی هر نوع تصمیم گیری عقلانی را به محاق می برد.

– رویداد اخیر نه صرفا یک موضوع اقتصادی و محدود به آن بلکه گواهی است بر یک مسأله کلان تر در نظام اجتماعی و آن فرسایش سرمایه اجتماعی و اتمیزه شدن جامعه است. هنگامی که مردم دائما در معرض بی ثباتی ها و شوک های مختلف اقتصادی قرار داشته باشند لاجرم آنان همواره رخدادها را به گونه ای بحرانی و بی ثبات درک خواهند کرد. زیستن مداوم در بحران و ذهنیت بحران زده به هر رخدادی واکنش آنی و غیرعقلانی نشان خواهد داد. تجارت پول و نه کار به مهمترین دغدغه مردم تبدیل می شود و صف های طولانی برای عقب نماندن از قافله عدم عقلانیت به وجود می آورند. آنان تلاش می کنند از هر فرصت پیش آمده نفعی به دست آورند و این یعنی بازتولید شرایط بی ثبات کننده و نااطمینانی و عدم عقلانیت مستمر.

– بدیهی است که در چنین فضایی برخی سود می برند و اکثریت متضرر می شوند. اکثریت اقشار پایین دست جامعه که نه توان ورود به این بازی تجاری را دارند و نه نقشی در این سوداگری از عواقب افزایش قیمت ها بسیار آسیب می بینند. یک سر این ماجرا به حاکمیت سیاسی و سر دیگر آن به مردم بر می گردد. آنچه مسلم است این است که هر دو نیازمند عقلانیت اند. بسیاری از مسایل از جمله مسایل اقتصادی لاجرم می بایست در سطح سیاست (polity) حل و فصل شوند. برای برون رفت از بحران های مختلف داخلی و خارجی چاره ای جز گفتگو و حل یا کاهش منازعه در حوزه سیاست وجود ندارد. اما در ارتباط با جامعه و مردم آنچه که مهم و ضروری است نهادهایی است که وظیفه دارند از مردم به ویژه گروه های پایین دست دفاع و حمایت کنند. دانشگاه، مجلس، رسانه ها و... از جمله مهمترین این نهادها هستند. این نهادها می بایست با اتخاذ موضع درست و حمایت از جامعه در برابر گروههای قدرتمند از یک سو و در گسترش عقلانیت و آگاهی بخشی به مردم برای حمایت و حفاظت از خود به مثابه "جامعه" و نه افراد منفرد از سوی دیگر ایفای نقش کنند.

نسیم جنوب
اجتماعی ۶
شماره ۸۵۹ یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

پورنوگرافی کودکان و آزار جنسی کودکی

دکتر امیر عباس بشارتی

متأسفانه در کشور ما، ایران، محتویات پورنوگرافیک کودکان (عکس و فیلم) به راحتی در دسترس است و حتی بین اعضای فامیل (گاهی به منظور شوخی و جوک) بدون هیچ شرمی یا حساسیتی تبادل می شود.
حتی در کانال ها یا گروه های تلگرامی مختص به محتویات پورنوگرافیک که مثل قارچ در حال رویش می باشند، افراد بدون ترس و واهمه و حتی با افتخار، عکس و فیلم های پورن مربوط به کودکان معصوم زیر ۱۸ سال (حتی سن ۶ ماه) را که گاها همراه با خشونت واقعی علیه این کودکان قربانی است درخواست می کنند یا به اشتراک می گذارند. متأسفانه وجود محتویات پورنوگرافیک کودکان حتی در گوشی های موبایل تبدیل به امری عادی شده است.
در کشورهای غربی با این که آزادی های جنسی بیشتر است، داشتن چنین محتویاتی در موبایل، لب تاپ یا به هر صورت دیگر جرمی بسیار سنگین و غیرقابل بخشش است و مجازات گاهی در حد مجازات قتل را برای دارنده چنین محتویاتی در صورت تکرار دارد. پلیس و سیستم قضایی به راحتی اسم و عکس فرد دارنده چنین محتویاتی را رسانه ای می کنند و پلیس سایبری این کشورها حتی برای کشف و به دام انداختن افراد بیمار پدوفیل (هر شخصی با هر سنی، چه زن چه مرد، که میل رابطه جنسی با یک فرد زیر ۱۶ سال داشته باشد) از طریق سایت های ساختگی دارای محتویات جنسی



کودکان زیر ۱۸ سال تله گذاری می کنند.
حساسیت قانون به موضوع سوءاستفاده جنسی از کودکان در کشورهای پیشرفته بسیار بالا است و پلیس سایبری مجهزی برای به دام انداختن افراد بیمار وجود دارد.
قانون هیچ ابایی از بی آبرو کردن افراد بیمار ندارد، کما اینکه در سال ۲۰۱۳ در مونترال بعد از یک عملیات شبانه پلیس و دستگیری ۲۸ پدوفیل که دو سال تحت نظر بودند، اسامی، عناوین شغلی و عکس و فیلم این افراد به طور کامل در رسانه ها منتشر شد که در میان آنها اساتید دانشگاه نیز وجود داشتند و اتفاقا خانواده دار و ظاهراً بسیار موجه بودند.
جرم برخی از این افراد صرفا سرزدن به سایت های پورنوگرافی کودکان و نگهداری تصاویر پورنوگرافی کودکان در حافظه موبایل یا کامپیوتر بوده است. در همان سال ۲۰۱۳ پلیس کانادا در سال ۳۴۸ نفر را در ارتباط با تهیه و توزیع تصاویر پورنوی کودکان دستگیر کرد (از جمله چند استاد دانشگاه). در کانادا صرف نگهداری یا حتی سر زدن به سایت های پورنوگرافی کودکان جرم محسوب می شود.
با کمال تأسف باید اذعان کرد که از بین رفتن حساسیت نسبت به چنین محتویاتی بین ایرانیان وجود دارد و زنگ خطری جدی و هشداری برای همه ما است.
لطفاً چنانچه به هر علتی چنین محتویاتی (به هر شکل و صورتی) در وسایل متعلق به شما وجود دارد، در اولین فرصت از بین ببرید و هرگز برای کسی فوروارد نکنید. چنانچه عضو گروه یا کانالی هستید که چنین محتویاتی را دارد بعد از تذکر جدی در گروه و ریپورت گروه به مرکز تلگرام، بدون رودربایستی از کانال یا گروه مربوطه خارج شوید.
نگهداری چنین محتویاتی، یعنی اهمیت داشتن آنها که خودبخود گویای وجود جاذبه برای این گونه تصویر است. چنانچه فردی احساس تمایل به این گونه تصاویر داشته باشد بایستی در اولین فرصت با یک روانشناس مشورت کند زیرا احتمال داشتن بیماری پدوفیلی برای شخص وجود دارد و این بیماری در صورت فعال شدن برای کودکان جامعه و حتی کودکان خود فرد خطرناک است.
چنانچه دلیل نگهداری چنین تصاویر هیچ کدام از این موارد نباشد و کاملا اتفاقی باشد، صرف نگهداری تصاویر پورنوگرافیک به غیر از مشکلات قانونی ذکر شده، با احتمال بالای انتشار آنها همراه است که باعث از بین رفتن حساسیت و بیدار کردن بیماران خفته است. همه ما موظف به رعایت موارد بالا هستیم تا به صورت غیرمستقیم باعث پرورش و ظهور افراد پدوفیل در اطرافیان خود و آزار جنسی کودکی نشویم.
از آنجایی که برخی جرایم (مانند سابقه رانندگی با سطح الکل بالا ثبت شده در مرکز پلیس، سابقه خشونت، یا تجاوز و نگهداری یا استفاده از محتویات پورنوگرافی کودکان) مانع ورود به دوره رزیدنتی یا ادامه فعالیت به عنوان پزشک خواهد شد، رعایت این موضوع نزد پزشکان اهمیت بیشتری پیدا می کند.

جوانان به ازدواج، احساسی نگاه می‌کنند

آمار ازدواج و طلاق ثبت شده سال ۱۳۹۶ توسط سازمان ثبت احوال منتشر شد. این آمار کاهش هشت درصدی ازدواج در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال پیشین را نشان می‌دهد. این در حالیست که آمار طلاق همچنان افزایش یافته است. در دهه گذشته آمار طلاق همچنان رو به افزایش بوده است. این آمار نشان می‌دهد در ایران از هر ۵ ازدواج ۳ مورد به طلاق می‌انجامد.
بر اساس این آمار، طلاق در شهرهای بزرگ از جمله تهران نسبت به شهرهای کوچک و مناطق روستایی بالاتر است و کمترین طلاق در مناطق عشایری ثبت می‌شود. همچنین قشرهای اقتصادی و فرهنگی متفاوت میزان طلاق نیز تفاوت دارد.
طلاق به خودی خود آسیب اجتماعی محسوب می‌شود و از سوی دیگر بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ریشه در طلاق دارند.
امان‌الله قرایی‌مقدم استاد جامعه‌شناسی در گفت‌وگو رویداد۲۴ درباره علت اوج گرفتن طلاق در دهه گذشته گفت: ازدواج بدون مطالعه است و جوانان به ازدواج، تنها احساسی نگاه می‌کنند و به صورت ادراکی به این موضوع نمی‌پردازند. تأثیر رسانه‌های بیگانه نیز غیرقابل انکار است. از مهم‌ترین علل طلاق می‌توان به ناتوانی جنسی مردان، ازدواج اجباری، بیشتر بودن سن دختر از پسر، اختلافات سال‌های ابتدایی ازدواج اشاره کرد.



او ادامه داد: طلاق به عنوان مد مطرح می‌شود، زمانی که در جامعه افراد پس از طلاق جشن می‌گیرند نمی‌توان توقع داشت که اخلاق پابرجا بماند و روابط پایدار شکل بگیرد. یکی از دلایل طلاق نبودن شادی در جامعه است. در جامعه‌ای که شادی وجود نداشته باشد طلاق اوج می‌گیرد. زوج در ساعاتی که کنار هم هستند به‌جای گفت‌وگو که روابط را تقویت می‌کند با رسانه‌هایی چون تلویزیون وقت می‌گذرانند که مدام خشونت و غم را ترویج می‌کند.
این استاد دانشگاه با بیان این‌که «خواسته‌های مادی خارج از توان مرد و چشم‌وهم‌چشمی در زنان جزو علل اختلاف شمرده می‌شود»، اظهار کرد: روابط خارج از خانواده در میان زنان فراوانی یافته است. زنان برای رفع نیازهایشان به روابط نامشروع روی می‌آورند. نتایج پژوهشی در دانشگاه کرج با فراوانی ۸۶۰ زن متاهل نشان داده که خیانت و روابط نامشروع رو به افزایش است. در این تحقیق مشاهده شد این افراد کار خود را قبیح نمی‌دانند. از علت های مهم این خیانت‌ها عدم رضایت جنسی، و عدم تأمین مالی بیان شده است.
او کاهش پایبندی به اصول اخلاقی، ارزشی و معنوی عامل طلاق برشمرد و بیان کرد: کاهش پایبندی‌ها بستر بسیاری از اختلافات زوجین است. در مردان در رده ۳۵ تا ۴۵ ازدواج مجدد عامل بسیاری از جدایی‌هاست. همچنین در میان افرادی که به‌خاطر شغلشان مدت زیادی را از خانه دور هستند طلاق فراوانی دارد. این افراد گاهی ۲۰ روز در ماه را حضور ندارند و زمینه طلاق و حتی خیانت به وجود می‌آید.
قرایی‌مقدم درباره تأثیر طبقه اجتماعی طلاق گفت: طلاق در هر طبقه اجتماعی متفاوت است. طلاق در طبقه میانی رواج دارد و طبقه بالا و پایین جامعه آمار طلاق پایین است. یکی از دلایل اوج طلاق در طبقه متوسط منیت افراد است. وابستگی اقتصادی و قوی بودن سنت‌ها مانع طلاق می‌شود. در طبقات بالا نیز چون زنان از رفاه اجتماعی برخوردار است کمتر به طلاق می‌اندیشد اما در طبقه متوسط زنان شاغل خود اتکا شدند.
او رده شغلی زوج به ویژه زنان را در طلاق مؤثر دانست و بیان کرد: کمترین میزان طلاق در میان معلمان ثبت شده است. در میان پرستاران و کارمندان اداری ۱۰ درصد طلاق وجود دارد.

رکورد طلاق در ایران شکست

سازمان ثبت احوال آمار ازدواج و طلاق سال ۱۳۹۶ را منتشر کرده است. براساس این آمار تعداد ازدواج‌های ثبت شده نسبت به سال ۱۳۹۵، حدود ۸ درصد (۵۱ هزار مورد) کاهش داشته، در حالی که تعداد طلاق‌ها به حدود ۱۷۵ هزار مورد رسیده که بیشترین آمار ثبت شده در تاریخ ایران است.
براساس آمار اعلام شده، پارسال ۶۰۹ هزار مورد ازدواج ثبت شده و تعداد طلاق‌ها ۱۷۵ هزار مورد بوده است. به این ترتیب نسبت طلاق‌ها به ازدواج‌های ثبت شده در یک سال به ۲۹ درصد رسیده است که بالاترین آمار در تاریخ ثبت احوال ایران از سال ۱۳۴۴ است تعداد طلاق‌ها از آغاز دهه ۱۳۷۰، روندی صعودی داشته است.
اما از اوایل دهه ۱۳۸۰ همزمان با افزایش تعداد ازدواج‌ها که بیشتر مربوط به متولد دهه ۱۳۶۰ بود، تعداد طلاق‌ها هم افزایش یافت. تا جایی که در سال ۱۳۸۵، تعداد طلاق‌ها به بیش از دو برابر سال ۱۳۷۵ رسید.
با این حال از سال ۱۳۸۹، با آغاز کاهش تعداد ازدواج‌ها، تعداد طلاق‌ها همچنان در حال افزایش است.



دختران ایرانی افسرده ترند!

همسو با آمارهای عمومی منتشر شده در خصوص گستردگی شیوع بیماری‌های روانی در کشور، آمارهای ارائه شده از سوی سازمان ورزش و جوانان نشان می‌دهد که «افسردگی شایع ترین اختلال روانی میان نسل جوان کشور است».
به گزارش دانا این را محمدتقی حسن‌زاده رئیس مرکز مطالعات وزارت ورزش و جوانان می‌گوید که البته به گفته او میزان افسردگی در بین دختران بیشتر از پسران است. پیش از این نیز آمارهای ارائه شده جهانی نشان می داد ابتلای زنان به افسردگی تا دو برابر بیش از مردان است اما در گزارش انجمن روان‌شناسی ایران آمده است که سهم زنان ایرانی از این اختلال روانی، سه تا چهار برابر بیشتر از حد معمول است. استاندارد افسردگی زنان، بین پنج تا هفت درصد است اما با ارقام اعلام شده بین ۱۵ تا ۲۸ درصد زنان ایرانی افسرده‌اند. با یک حساب سرانگشتی، می‌توان افسردگی را خطری جدی تلقی کرد چرا که زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و علاوه بر آن، به طور مستقیم تربیت کودکان را نیز در خانواده برعهده دارند.
به گفته مهناز حاجلو کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی و مؤلف بیش از ۲۰ جلد کتاب در زمینه‌های گوناگون روانشناختی و روان درمانی: «فرزندان مادران افسرده، هم در زندگی شخصی و هم در زندگی اجتماعی خود دچار مشکلاتی خواهند شد.»
آخرین نرخ شیوع اختلالات روانی که در میان زنان، ۲۶ درصد و در میان مردان ۱۵ درصد اعلام شده است، نشان می‌دهد زنان با اختلافی یازده درصدی بر سکوی نخست ابتلا به افسردگی در کشور ایستاده اند!

هر غصه‌ای، افسردگی نیست

به گفته حاجلو «افسردگی یک بیماری خلقی است. اختلالات خلقی طبقه‌بندی متفاوتی دارد اما چیزی که باعث می‌شود افسردگی به عنوان یک بیماری خلقی برچسب بخورد مجموعه‌ای از علائم است؛ بی‌حالی، سستی، فقدان انرژی، احساس گناه یا احساس بی‌ارزشی از علائم افسردگی است. کم شدن اعتماد به نفس، تغییر در وزن و وضعیت اشتهای فرد یا وضعیت خواب بی‌عزتی یا از دست دادن علائمی مثل شوق زندگی که فرد پیش از ابتلا داشته نیز در همین گروه قرار می‌گیرد. گاهی شدت افسردگی به حدی است که فرد به مرگ فکر می‌کند و احتمال خودکشی وجود دارد. روان‌شناسان می‌گویند برای بررسی افسردگی، فرد باید پنج علامت از این علائم را در یک مدت زمان مشخص دارا باشد و البته مهم‌ترین شرط آن است که این علائم به عملکرد اجتماعی، تحصیلی، کاری، خانوادگی و... اثر منفی وارد کرده باشد.»

کدام زنان افسرده ترند؟

دکتر سیما فردوسی روان‌شناس در این باره می گوید: «سن افسردگی زنان خانه دار معمولا از سن ۳۷ سالگی به بعد است که به دنبال بروز علائم یائسگی تشدید می‌شود، اما در حالی که زنان طبقه متوسط تا ۶ درصد مبتلا به افسردگی می‌شوند، ۲۳ درصد از زنان کارمند در چاه این اختلال روانی اسیر هستند زیرا زندگی آنها سرشار از فشار و اضطراب است.»



به گفته وی «زن حساس تر و عاطفی تر از مرد است و وقتی مجبور می‌شود دوشادوش مرد برای تأمین مایحتاج زندگی و ازدواج و اشتغال کار کند، فشار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روحی و روانی شوهر و فرزندان را در خانه و در جامعه تحمل کند، بیشتر در معرض افسردگی قرار می گیرد.» او می گوید: «در برخی مناطق از کشور به دلیل رفتارهای بد خانواده و سنت‌های نادرست، برخورد مناسبی با زنان نمی‌شود و میزان افسردگی زنان در این مناطق بیشتر است. اما این موضوع در شهرها حتی شهرهای توسعه یافته نیز دیده می‌شود. وقتی زن باید با حداقل درآمد شوهر مدیریت خانه را به نحو احسن انجام دهد و هرگونه رفتاری را از سوی شوهر یا فرزندان و اطرافیان تحمل کند و سنگ صبور همه باشد اما در مقابل هیچکس به حرف او گوش ندهد، معلوم است که افسردگی در بین این قشر بیشتر می‌شود.»

ضعف مهارت ارتباطی؛ یک عامل مهم

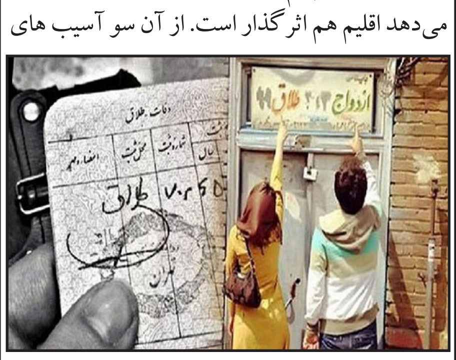
اما در مقابل، مهناز حاجلو کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی و مؤلف بیش از ۲۰ جلد کتاب در زمینه‌های گوناگون روان‌شناختی و روان درمانی عامل افسردگی زنان را ضعف مهارت‌های ارتباطی می‌داند. او در گفت‌وگو با تهران امروز می‌گوید: «کسی که حجم زیادی از استرس در نتیجه فقدان کسی یا چیزی را تحمل می‌کند احتمال ابتلا به افسردگی دارد. مثلا سقط جنین یا از دست دادن همسر که در این حالت اگر فرد مهارت مدیریت بر هیجانش را نیاموخته باشد مثل کامپیوتری که هنگ می‌کند، زانو به زمین می‌زند، کمرش خم می‌شود و در چاه عمیق افسردگی گرفتار می‌شود.»

زندگی مدرن، انسان‌ها را افسرده‌تر می‌کند

او ادامه می‌دهد: «اختلالات افسردگی یا درون زاد هستند یا برون زاد. عوامل درون زاد شامل زمینه ژنتیکی فعال و اختلالات هورمونی است. کسی که در خانواده‌اش سابقه اختلال خلقی وجود دارد نسبت به افرادی که این سابقه فامیلی را ندارند احتمال بیشتری در ابتلا به افسردگی دارد. عامل دیگر تغییر در میزان بعضی از هورمون‌ها و انتقال‌دهنده‌های شیمیایی- عصبی مغز است. دانشمندان ثابت کرده‌اند این مواد می‌توانند در بروز اختلالات خلقی تأثیرگذار باشند. البته ما نمی‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم کسی که ژن فعال افسردگی دارد، افسرده می‌شود. بلکه مجموعه‌ای از عوامل سبب افسردگی می‌شود. مثل سطح استرس‌هایی که در زندگی تجربه می‌کنیم.»
او می‌گوید: «ساختار جامعه ما مردسالار است و ما نمی‌توانیم منکر آن شویم. نوع تبعیضی که پدران و مادران بین فرزندان می‌گذارند در شکل‌گیری شخصیت آنان مؤثر است. این امر به دلیل ندانستن و پایین بودن سطح آگاهی است. علاوه بر فرهنگ حاکم بر کل کشور، خرده فرهنگ‌هایی نیز در کشور وجود دارد که می‌توان گفت در هر فامیل نسبت به فامیل دیگر متفاوت است. همین خرده فرهنگ هاست که گاهی نگاه به زن در آن ارزشی نیست.»
به گفته حاجلو، زندگی شهری در دنیای مدرن امروزی، در کنار پیشرفت تکنولوژی و تلاش هر روزه برای داشتن زندگی مادی بهتر سبب می‌شود تا انسان‌ها بیشتر به چاه افسردگی سقوط کنند. به ویژه آنکه زنان حساس‌ترند، از این رو احتمال بیشتری برای لغزیدن پایشان و سقوط آنها به چاه افسردگی وجود دارد. انگار افسردگی در هر لحظه در کمین زنان ایرانی نشسته است تا سایه سیاهش را بر زندگی آنان بگستراند و آنها باید هر روز برای در امان ماندن از سایه سیاه این اختلال روانی برنامه ریزی کنند. سایه سیاهی که گسترده شدنش می‌تواند کمر یک زندگی را خم کند.

یک «طلاق حقوقی» و ۲ «طلاق عاطفی» به ازای هر ۵ ازدواج

استاد روانشناسی بالینی و رئیس کمیسیون چشم انداز امور نخبگان مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به اقلیمی شدن اختلالات روحی و روانی گفت: به عنوان مثال خودکشی در یزد ۰.۴ درصد اما در ایلام ۲۴ درصد شده است که نشان می‌دهد اقلیم هم اثرگذار است. از آن سو آسیب‌های اجتماعی هم روی خط قرمز است
دکتر محمدابراهیم مداحی در دومین جشنواره روانشناسی و مشاوره که در تالار ایوان شمس برگزار شد با بیان اینکه آمارها به لحاظ اختلالات روانی چندان خوب نیست گفت: در جهان اختلال غالب قرن بیستم «اضطراب» و قرن بیست و یکم «افسردگی» بود؛ اما در ایران متفاوت است، اختلال اول اضطراب، دوم افسردگی و سوم اختلالات «سایکوسومتیک» است. این آمار در ۱۵ سال گذشته پنج شش درصد رشد داشته، البته سازمان ملل اعلام کرده در جهان تا ۱۵درصد رشد اختلالات را در سال‌های آتی خواهیم داشت.
وی افزود: علاوه بر آنکه در ایران اختلالات اقلیمی شده، فرهنگی نیز شده است، به عنوان مثال نشانگان افسردگی کاهش یافته، اما آمار افسردگی بالا رفته است به این معنا که افسردگی و دلزدگی و دلمردگی را فرهنگ کرده ایم و نشاط ضد ارزش شده است. چقدر خوب است روی نشاط فرهنگ سازی کنیم.
مداحی با اشاره به اقلیمی شدن اختلالات روحی و روانی گفت: به عنوان مثال خودکشی در یزد ۰.۴ درصد اما در ایلام ۲۴ درصد شده است که نشان می‌دهد اقلیم هم اثرگذار است. از آن سو آسیب های



اجتماعی هم روی خط قرمز است.
وی با اشاره به بودجه اندک بهزیستی در برابر حجم وسیع آسیب ها عنوان کرد: باید به حال سازمان بهزیستی گریست. از ۵۰۰۰ میلیارد تومان بودجه سلامت چقدر سهم بهزیستی بوده؟ آسیب های اجتماعی روی خط قرمز است.
رئیس کمیسیون چشم انداز امور نخبگان دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: آماری به دستم رسیده است مبنی بر اینکه ایران در زمینه طلاق رکورد زده است و از هر پنج ازدواج یک طلاق حقوقی و دو طلاق عاطفی را شاهدیم. با این حجم مشکلات چقدر امکانات داریم؟ طبق آمار وزارت بهداشت ۲۰ درصد امکانات مغزافزاری، نرم افزاری و سخت افزاری برای مقابله با این آسیب ها داریم.
مداحی افزود: باید وارد فرایند سه مرحله‌ای شویم. فرهنگ سازی، جریان سازی و نهادسازی. در فرهنگ سازی باید بر روی افزایش سواد سلامت در حوزه سلامت روان کار شود.
وی با بیان اینکه دومین گام، جریان سازی و اجتماعی سازی و درگیر کردن نهادهای مختلف است گفت: گام سوم نهادسازی است. اکنون ۱۵ انجمن علمی داریم.
۶۰ سال پیش سه جریان در حوزه روانشناسی وجود داشت، جریان نخست تشکیل انجمن ها بود، جریان دوم به دنبال اتصال به وزارت بهداشت و جریان سوم به دنبال ایجاد یک نهاد مستقل بود و همین جریان سوم در راستای نهادسازی موجب تشکیل سازمان نظام روانشناسی شد.
رئیس کمیسیون چشم انداز امور نخبگان دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: باید تفکر همگرایانه داشته باشیم و از مددکار تا روانشناس باید کنار یکدیگر خدمات ارائه دهند. مجموع انجمن های علمی در کشور حدود ۵۰۰ مورد هستند که متأسفانه خودشان مددجو هستند نه مددکار و اغلب نمی‌توانند چراغ انجمن خود را روشن نگه دارند و پیشنهاداتی در این باره به وزارت علوم داده‌ایم. باید خانه روانشناسان و انجمن های دیگر را تقویت کرد.

تکنیک های صحیح گفتگو با نوجوانان

شروعِ صحبت با نوجوانان دشوار است. صحبت در موَرد مواد مخدر و الکل حتی سخت تر نیز می باشد. به عنوان پدر و مادر اغلب با مقاومت روبرو می شوید. خبر خوب این است که روش هایی برای تعامل با نوجوانتان که روابط باز و مثبت را ترویج می دهد وجود دارد.

روشنفکر باشید

اگر می خواهید یک مکالمه سازنده با نوجوانتان داشته باشید، یک چیز را به خاطر داشته باشید این است که هنگامی که یک بچه احساس مورد قضاوت بودن و یا محکوم شدن می کند، احتمال کمتری دارد که پذیرای پیام شما باشد. پیشنهاد می کنیم به منظور دستیابی به بهترین نتیجه برای شما و نوجوانتان، سعی کنید موقعیتی بی‌طرف و آزاد را حفظ کنید. ما درک می کنیم که چالش برانگیز است و به تمرین نیاز دارد.

خودتان را جای نوجوانتان قرار دهید

برای مثال، رفتاری را که خودتان ترجیح می‌دهید زمانی که در مورد یک موضوع دشوار صحبت می کنید مورد خطاب قرار بگیرید را در نظر بگیرید. فکر کردن در مورد چگونگی احساستان در زمان نوجوانی می‌تواند سودمند باشد.

چگونه بیمار روانی نشویم؟!

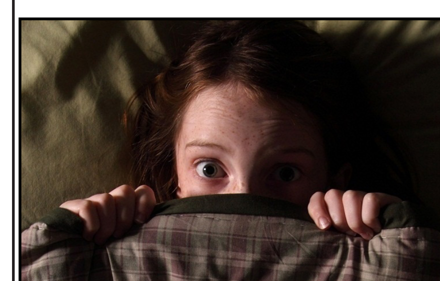
نترسید تا مریض نشوید

یک روانشناس با بیان اینکه خود بیمارانگاری یکی از مشکلات روحی و روانی است که افراد ترس از مبتلا شدن به آن را دارند، راهکارهایی آسان برای جلوگیری از بیمار شدن را تشریح کرد.

افسانه وکیلی روانشناس با بیان اینکه ترس از داشتن یک بیماری خود عامل بروز بیماری است، اظهار کرد: خود بیمارانگاری در واقع یکی از مشکلات روحی و روانی است که افراد ترس از مبتلا شدن به آن را دارند.

وکیلی با اشاره به اینکه طرحواره ذهنی بیمارانگاری ممکن است در دوران کودکی شکل گرفته باشد، بیان کرد: بیمارانگاری معضلی است که فرد از ابتلا به یک بیماری تهدیدکننده در زندگی هراس دارد؛ فرد ممکن است در دوران کودکی تجربه ناخوشایندی را پشت سر گذاشته باشد که این ترس از داشتن بیماری در دوران کودکی تا بزرگسالی در او رشد کرده است.

این روانشناس با بیان اینکه ممکن است یکی از نزدیکان فرد از دوران کودکی به بیماری مبتلا



شده باشد و او ترس از آن بیماری را در خود داشته باشد، افزود: پدر، مادر، برادر و یا اقوام نزدیکی که به آن بیماری مبتلا شده باشند، فرد از همان دوران در ذهن خود از آن می‌ترسد که نکند من به آن دچار شوم و استرس آن بیماری در او به وجود می‌آید.

وی با اشاره به اینکه طرح واره ذهنی در دوران کودکی ممکن است باعث ایجاد درد و ناراحتی در افراد شود، گفت: فرد در دوران کودکی با ترس عمیقی در خود مواجه می‌شود که این ترس یک اختلال روانی در او به وجود می‌آورد و به دنبال این اختلالات روانی افراد در دوران جوانی دچار علائم جسمی هم می‌شوند.

وکیلی با بیان اینکه برخی افراد فکر می کنند اختلال روانی نوعی وسواس اجباری است، خاطرنشان کرد: زمانی که یکی از اعضای خانواده دچار سرطان، بیماری قلبی، دیابت و یا غیره شود فرد مدام علائم آن بیماری را در خود بررسی می کند و به نوعی به وسواس مبتلا می‌شود؛ فرد مبتلا به خود بیمارانگاری با وجود برخورداری از سلامت بدنی خود را بیمار می‌داند و همواره از دردهای فرضی شکایت می کند.

این روانشناس با اشاره به اینکه زمانی که فرد به وسواس مبتلا می‌شود تمام اعضای بدن خود را مدام بررسی می کند، افزود: در این زمان فرد به دنبال دیدن علائم بیماری در خود است و حتی مرتب به پزشک مراجعه کرده و آزمایش‌های متفاوتی می‌دهد تا از سالم بودن خود مطمئن شود اما بعد از اطمینان هم ترس و اضطراب در او وجود دارد؛ فرد خودبیمارانگار همیشه دچار یک نوع وسواس فکری و ترس از یک بیماری جدی دارد، احساسات طبیعی مانند ضربان قلب و تعریق و مسائل جزئی و غیرطبیعی مانند آب‌ریزش بینی، گلودرد و سر درد را نشانه یک بیماری جدی در خود می‌داند.

وکیلی با اشاره به اینکه افراد خودبیمارانگار همیشه در معرض خطر هستند، مطرح کرد: از سوی دیگر معضل بیمارانگاری باعث افزایش استرس و اضطراب شده و سیستم ایمنی بدن مبتلایان را کاهش می‌دهد و فرد، مستعد ابتلا به بسیاری از بیماری‌های دیگر می‌شود.

وکیلی با اشاره به اینکه درمان سریع بیماری برای بهبود افکار و علائم آن بسیار مؤثر خواهد بود، گفت: زمانی که ترس در بدن افزایش داشته باشد ایمنی بدن کاهش و انفعالات درون بدن باعث ایجاد بیماری در درون فرد می‌شود؛ تصورات ذهنی بیشتر شده و به دنبال آن ممکن است به اختلالات استرس و حملات پانیک (هجوم ناگهانی نگرانی و ترس بسیار شدید) منجر شود.

اشتباهات ششگانه زنان در رابطه با مردان

- زنان با شوهران خود مانند یک بچه برخورد می‌کنند و نسبت به آنان رفتار مادرانه دارند.

- زنان در رو به رو شدن با مردان به کلی خود و عقایدشان را فراموش کرده، شوهر را برتر از خود می دانند.

- زن‌ها به قدرت و توانایی مردان بسیار علاقه مندند.

- دست پایین گرفتن توانایی‌های خود و حتی در بعضی مواقع مخفی کردن آن‌ها در برابر همسرشان.

-زن‌ها در مواجه شدن با مردها از خود ضعف نشان می دهند.

-زن‌ها هنگامی که از همسرشان چیزی می خواهند خود را تا حد یک دختر بچه پایین می‌آورند.

اگر این نشانه ها را دارید به یک روان درمانگر مراجعه کنید

سلامت روحی اغلب مورد غفلت قرار می گیرد و هنوز بسیاری از افراد با وجود مشکلات روحی، مراجعه به روان درمانگر را امری غیرضروری و غیرقابل قبول می دانند. اما حقیقت آن است که با گذشت زمان مشکلات روحی عمیق تر و جدی تر شده و می توانند همه بخش های زندگی ما را تحت تأثیر خود قرار دهند و گاهی نیز صدمات جبران ناپذیری به بار آورند. اگر این نشانه ها را دارید، به یک روان درمانگر مراجعه کنید.

۱- از اندوه یا خشم بسیار زیادی رنج می برید

اگر درگیر احساساتی هستید که کنترل آنها از دست تان خارج شده، این مسأله می تواند از علائم مشکلی باشد که با درمان های تخصصی بهبود خواهد یافت. اگر خواب و خوراک شما کمتر یا بیشتر از معمول است، از خانواده و دوستان تان دوری می کنید، یا تنها احساس می کنید حال بدی دارید، پیش از آنکه مشکلات جدی تری به وجود آید و کیفیت زندگی تان را تحت تأثیر قرار دهد با یک روان درمانگر صحبت کنید. اگر این احساسات منفی تا حدی تشدید یابد که ارزش زندگی کردن برایتان زیر سؤال برود و به مرگ و خودکشی فکر کنید، باید فورا کمک بگیرید.

۲- دیگر از انجام کارهای مورد علاقه تان لذت نمی برید

اگر دیگر از شرکت در فعالیت های مورد علاقه تان لذت نمی برید، مراجعه به روان درمانگر می تواند به شما کمک کند علت این مسأله را پیدا کنید. این مسأله ممکن است نشانه آن باشد که دچار یکنواختی و روزمرگی شده اید یا می تواند نشانه ی افسردگی عمیق تری باشد. انجام روان درمانی می تواند به تشخیص وضعیت تان کمک کند تا دریابید چه چیزی در روند زندگی شما وقفه به وجود آورده و برنامه ای برای پیشروی دوباره ی شما در مسیر زندگی ترتیب می دهد.

۳- از جمع دوری می کنید

بسیاری از افراد زمانی که در می یابند قرار گرفتن در کنار دیگران آن ها را مضطرب می کند به روان درمانگر مراجعه می کنند. اگر از رفتن به مهمانی ها، جمع های کاری یا حتی دوستان و خانواده ی خود دوری می کنید، ممکن است این مسأله به دلیل ترس از قضاوت شدن یا احساس نامناسب بودن باشد. اگر فعالیت های روزانه و روابط تان تحت تأثیر احساس نگرانی قرار گرفته، روان درمانی اولین قدم برای حل این مشکل است.

۴- رفتارهای ناسالمی دارید

اگر رفتارهای خطرناکی مثل مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر بر زندگی شما حاکم هستند، در خصوص روابط خود انتخاب هایی بدون فکر دارید یا عکس العمل هایتان در برابر دیگران اغراق آمیز و متظاهرانه است، این مسأله ممکن است نشانه مشکلات عمیق تری باشد. احتمال دارد شما از این رفتارها در مواجهه یا امتناع از درگیر شدن با موقعیت ها و احساسات دشوار استفاده می کنید. صحبت با یک متخصص می تواند به شما کمک کند علت این مسأله را دریابید و مشکلات ناشی از آن را درک کنید.

۵- برقراری رابطه برایتان کار دشواری است



اگر حفظ رابطه دوستی برایتان دشوار است یا اغلب با دیگران در جدل هستید، مراجعه به روان درمانگر می تواند به حل مشکل تان کمک کند. اگر مدیریت روابط عاطفی را کار دشواری می دانید یا اعتقاد دارید این روابط ارزش تلاش ندارند، این مسأله هم نشانه دیگری است که باید به روان درمانگر مراجعه کنید. این مسأله اغلب در گذشته ی شما ریشه دارد. صحبت با روان درمانگر درباره ی سابقه روابط تان علل کشمکش های فعلی زندگی تان را روشن می کند و در جلسات روان درمانی راه های ارتباط با دیگران را فرا می گیرید.

۶- تجربه یک آسیب روحی را دارید

بسیاری از افراد برای آسیب های روحی اخیر خود مثل مرگ عزیزان، شکست در روابط عاطفی، سقط جنین و تبعیض در محل کار به روان درمانگر مراجعه می کنند. اما بعضی افراد هم برای حل آسیب های روحی قدیمی خود مثل سوءاستفاده های جنسی در دوران کودکی به دنبال روان درمانی هستند. اگر قادر نیستید این تجربیات بد زندگی خود را پشت سر بگذارید و کار، خواب یا روابط تان تحت تأثیر این تجربیات قرار دارد، با یک متخصص صحبت کنید.

۷- به دنبال شناخت بیشتری از خود هستید

برای برخی افراد روان درمانی فرصتی برای شناخت خودشان است، برای مثال چرا شغل فعلی تان را انتخاب کردید، چرا به دنبال رابطه با افراد دست نیافتنی هستید، یا چرا وقت خود را هدر می دهید. فهمیدن علت افکار، کارها و احساسات مان می تواند قدرت زیادی به ما ببخشد.

۸- به حمایت بیشتری نیاز دارید

گاهی افراد برای تشخیص مشکل و انجام درمان به روان درمانگر مراجعه نمی کنند، بلکه تنها به دنبال آن هستند تا کسی خارج از دایره ی افراد خانواده و دوستان به صحبت های آن ها گوش دهد. تفاوتی ندارد درگیر طلاق، بیکاری یا یک رابطه ی عاطفی جدید باشید؛ جلسات روان درمانی محل بسیار خوبی برای برخورداری از حمایت کسی است که شما را قضاوت یا نصیحت نمی کند و تنها در فکر خواسته های خودش نیست.

۹- روش هایی که تا به حال امتحان کرده اید کمکی به شما نکرده است

گاهی شیوه ای که برای مواجهه با مشکلات انتخاب می کنیم شکست می خورد. اگر راه های مختلف زیادی را امتحان کرده اید، مثل صحبت با یک دوست، ورزش بیشتر و مطالعه ی تکنیک های مختلف در اینترنت، اما هیچ یک کمکی به شما نکرده است، وقت آن رسیده تا با یک روان درمانگر صحبت کنید.

منبع: میگنا

سیگاری دست سوم، خطر پنهان در کمین کودکان و بزرگسالان

سیگاری "دست سوم" به کسانی اطلاق می‌شود که در معرض خطر باقی‌مانده مواد شیمیایی و سمی حاصل از مصرف دخانیات دیگران قرار می گیرند. این افراد به طور مستقیم سیگار نمی‌کشند (سیگاری دست اول) یا در معرض غیرمستقیم دود سیگار نیستند (سیگاری دست دوم) اما به دلیل زندگی یا کار در نزدیک افراد سیگاری در معرض آسیب مواد سمی به‌جا مانده از فرآورده‌های دخانی قرار دارند.

افراد سیگاری دست اول که مصرف کننده سیگار هستند و افراد سیگاری دست دوم یعنی اعضای خانواده افراد سیگاری که خودشان دخانیات استعمال نمی‌کنند اما در معرض دود آن هستند، ریسک بالای ابتلا به انواع بیماری‌های ریوی، قلبی-عروقی و سرطان‌ها را دارند. اما این دو گروه تنها کسانی نیستند که از مواد شیمیایی و سمی موجود در سیگار آسیب می‌بینند.

تحقیقات نشان می‌دهد که زندگی و کار در محل‌هایی که افراد سیگاری حضور دارند، حتی بدون قرار گرفتن در معرض دود سیگار، سبب آسیب رساندن به افراد غیرسیگاری می‌شود.

دود سیگار برای مدت طولانی به لباس، مبلمان، پرده، دیوار، فرش، سقف، کف، وسایل منزل، گرد و غبار موجود در هوا، وسیله نقلیه و سایر سطوح می‌چسبد و مواد سمی با تنفس، خوردن و نوشیدن



یا لمس اشیا در آن مکان به بدن افراد وارد می‌شود. شستن و تمیز کردن لوازم موجود در محل با مواد پاک کننده تنها راه از بین بردن سمومی است که به آنها وارد شده یا چسبیده است. اما باید توجه داشت که مبلمان، پرده، فرش، لوازم آشپزخانه، دیوارها و بسیاری دیگر از قسمت‌های محیط کار و منزل را نمی توان به طور مرتب شست و در نتیجه تجمع مواد سمی و شیمیایی در آنها، این اشیا را به منبع خطرناکی برای ایجاد بیماری در افراد مبدل می‌کند.

افراد با سنین مختلف می‌توانند به عنوان سیگاری دست سوم از مواد سمی جمع شده در وسایل منزل و کار آسیب ببینند، اما کودکان خردسال که محیط را لمس می‌کنند، روی زمین می‌نشینند و اشیا را به دهان خود وارد می‌کنند بیشترین آسیب را از این مسأله خواهند دید. به علاوه سیستم دفاعی ضعیف بدن آنان سبب می‌شود که احتمال ابتلا به انواع بیماری‌های مرتبط با دخانیات در این گروه افزایش یابد.

بنابر گزارش یورونیوز، سیگار کشیدن در قسمت مخصوص یا حتی خارج از خانه مانع از این نمی‌شود که افراد خانواده به سیگاری دست سوم تبدیل نشوند. مواد شیمیایی درون مواد دخانی قابل دیدن نیستند و فرد سیگاری بطور ناخواسته آنها را به محل زندگی و کار خود منتقل می‌کند.

عوامل محیطی، مؤثرترین عامل عصبانیت نوجوانان

دکتر سیما فردوسی روانشناس بالینی، در خصوص عصبانیت گفت: عصبانیت ممکن است پیش‌زمینه ژنتیکی داشته باشد، ولی نوع رفتار پرخاشگری اکتسابی است و امکان دارد فرزندان با توجه به رفتارهای والدین، از آنان یاد بگیرند.

هنگامی که می‌گوییم امکان زمینه ژنتیکی در عصبانیت وجود دارد، به این معنی است که ممکن است عوامل مختلف ژنتیکی



مانند آنزیم‌های ترشح شده در بدن، فرد را مستعد عصبانیت کند. علاوه بر آنزیم‌ها عوامل دیگر مانند افسردگی، ناکامی و... زمینه زود عصبانی شدن را فراهم و افراد را پرخاشگر می‌کند؛ ممکن است عوامل افسردگی ژنتیکی باشد و افرادی که از لحاظ شخصیتی زود از کوره در می‌روند، عوامل ژنتیکی در رفتار آنها وجود داشته باشد.

اینکه بگوییم به دلیل اینکه پدر یا مادر عصبانی هستند، فرزند نیز مانند آنها عصبی می‌شود درست نیست و شاید عوامل محیطی بیشترین تأثیر را در عصبانی شدن داشته باشند.

چرا کودکان عصبی می‌شوند؟

دکتر مریم پرهیزگار گفت: تخلیه نشدن انرژی کودک سبب ایجاد مشکلاتی برای او شده و در مرور زمان، کودک عصبی می‌شود. کودکی که دوست دارد خود را با جنب و جوش تخلیه کند، اما پدر و مادر به او اجازه این کار را نمی‌دهند، مانند کسی است که بغض گلویش را گرفته، اما به او اجازه گریه کردن نمی دهند.

این روانشناس کودک با تأکید بر تأثیر منفی جلوگیری از فعالیت‌های کودکان اظهار کرد: تخلیه نشدن انرژی کودک از طریق بازی و یا حتی شیطنت به شدت روی آرامش روانی و عصبی کودک تأثیر منفی دارد و همین موضوع سبب می‌شود یک کودک در سال‌های ابتدایی زندگی خود تبدیل به فردی عصبی شود.

پرهیزگار در رابطه با روش‌های مناسب تخلیه انرژی کودکان تصریح کرد: یکی از اصلی‌ترین راه‌های تخلیه انرژی کودک، بازی‌های فعال است. بازی‌هایی که کودک در آن جنب و جوش دارد و ساکن نیست بهترین نوع بازی به حساب می‌آید.

وی با اشاره به لزوم تقویت صفات اخلاقی کودکان تصریح کرد: والدین باید بدانند که به جای تعریف مدام از ظاهر کودک، از صفات اخلاقی خوب آن‌ها تعریف کنید. جملاتی مانند عجب دختر مهربانی هستی، چقدر مؤدبی، چقدر خوش اخلاقی، تو چه تصمیم‌های عاقلانه‌ای می‌گیری و... به مراتب می‌تواند در رشد و پرورش یک کودک نقش قابل توجهی را ایفا کند.



تولید خشم را در نوجوانان متوقف کنید!

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بین والدین و فرزندان در نوجوانی، پرخاشگری و خشم فرزندان است که شاید باور نکنید اما جلوگیری از آن راه‌حل ساده‌ای دارد؛ راه‌حل این است که دستگاه «تولید خشم» را از برق بیرون بکشید! شاید بگویید این دیگر چه حرفی است. خب اجازه بدهید کمی توضیح بدهیم: مقایسه مداوم فرزندان آن هم ازکودکی با بچه‌های فامیل، دوستان و حتی همبازی‌های مهد کودک‌شان باعث می‌شود که آنها در نوجوانی با توجه به سرخوردگی ناشی از مقایسه و رقابت دائم، بیش از حد معمول حساس و خشمگین باشند.

خوب است بدانید بچه‌ها وقتی نمی‌توانند فاصله خودشان را با کسانی که پدر و مادر با آنها مورد مقایسه قرار می‌دهند، پر کنند، احساس شکست و طردشدگی خواهند کرد؛ احساس تلخی که مقدمه صدمات روانی زیادی است؛ بنابراین به جای مقایسه فرزندان‌تان با بقیه، به استعدادهای آنها و علایق‌شان توجه کرده و احترام بگذارید. با این کار اعتماد به نفس فرزندان‌تان رشد کرده و تقویت آنها در مسیری که دوست دارند، باعث شکوفایی‌شان می‌شود؛ در نتیجه با توجه به توانایی‌ها و مهارت‌های‌شان، احساس برتری و سرآمد بودن کرده و در نوجوانی استرس کمتری را تجربه می‌کنند. همه این مسائل باعث می‌شود که فرزند شما دیگر پرخاشگر نباشد.

گسترش دامنه اعتیاد با مصرف «گل»

دکتر گودرز عکاشه روانپزشک و متخصص اعصاب و روان با اشاره به اینکه معضل اعتیاد امروزه محدود به کشور نیست، گفت: بدون شک پنهان کردن و یا تشدید معضل اعتیاد در جامعه همواره به ضرر جامعه تمام خواهد شد، به طوری که پنهان کردن این معضل سبب رشد آن شده و تشدید آن نگرانی‌های بسیار و بی‌دلیل را پدید می آورد.

وی همچنین در ادامه اضافه کرد: نگرانی‌های بی مورد و بیش از حد خانواده‌ها در حوزه اعتیاد باعث می‌شود تا خانواده در مواجهه با فرزند خود بسیاری از رفتارهای غلط و اشتباه را به کار گیرد.

این متخصص اعصاب و روان با ارائه آمار اعتیاد دانش آموزان در سال ۱۳۹۰ در کشور، اظهار کرد: بر اساس آمارهای موجود در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۳ درصد از دانش آموزان ۱۵ تا ۱۹ سال به سمت مواد مخدر گرایش داشته‌اند.

وی با اشاره به بخش‌های مختلف اعتیاد در جوامع مختلف، تصریح کرد: دامنه اعتیاد در زمانه امروز بسیار گسترش پیدا کرده است، به طوری که اعتیاد به اینترنت و تلفن همراه امروزه یکی از راه‌های ورود به مسیر اعتیاد به شمار می آید.

عکاشه با اشاره به گسترش برخی از انواع مواد مخدر در کشور، توضیح داد: حشیش امروزه یکی از مهم ترین موادی است که معضل اعتیاد در کشور را به نسبت بسیار زیادی گسترش داده است، به طوری که موادی مانند گل و ماریجوانا نیز به همین ترتیب دامنه‌های اعتیاد را افزایش داده است.

وی که در برنامه‌ای رادیویی صحبت می‌کرد، با بیان این که در حال حاضر مواد مخدر در کشور چهره خود را تغییر داده است، عنوان کرد: بدون شک مصرف حشیش دروازه‌ای به سوی مواد مخدر است.

این روانپزشک با اشاره به موضوع فرار جوان به داخل خانه، توضیح داد: در بسیاری از مواقع اتفاق می افتد که جوان معتاد به جای فرار به بیرون از خانواده به داخل خانواده فرار می کند، به طوری که در داخل خانه و در یک گوشه خود را حبس کرده و با کسی از اعضای خانواده ارتباط برقرار نمی کند.



هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



با صعود شاهین ، زیبایی به آسمان بندر بازگشت

محسن باستی



– شاهینی ها سال های سختی را پشت سر گذاشتند ولی امیدوارانه شاهین را تنها نگذاشتند؛ سقوط از لیگ برتر استارت سقوط های پی در پی پرنده محبوب بندر بود.
پس از سقوط از لیگ برتر شاهینی ها امیدوار بودند تیم شان از لیگ دسته یک مجدد به لیگ برتر برگردد ولی همان مشکلات تکراری همچون لیگ برتر ادامه داشت تا شاهین لیگ دسته اول را هم وداع گوید، پس از سقوط شاهین در هفته نامه نسیم جنوب چاپ ۲۵ فروردین ماه ۹۲ تیتر زدیم: «آسمان غم انگیز بندر غم انگیزتر شد».
نماینده محبوب پایتخت انرژی ایران که در جای جای ایران بوشهر را به نام خودش می شناختند، حالا نه در لیگ برتر حضور داشت و نه یک...
برای شاهینی ها ناامیدی مفهومی نداشت؛ در لیگ دسته دو گام نهادند ولی به مسابقات نرسیده مسئولان تیم، انصرافش از حضور در مسابقات را اعلام کردند؛ یک فصل، نام شاهین در هیچ لیگی نبود ولی باز هم هواداران پشتوانه تیم های پایه شدند تا تیم نوجوانان و جوانان را راهی لیگ برتر فوتبال کنند و بگویند شاهین زنده است، نفس می کشد ولی نای پرواز ندارد.
فصل بعد لیگ دسته سه کشور نام بزرگی را در خود می دید برای فوتبالی ها سخت بود که شاهین را در پایین ترین لیگ کشور ببینند ولی روزگار است و شاید می خواست شاهینی ها را امتحان کند که همیشه به خوبی امتحان پس داده بودند و برای همین ریشه های شاهین شان را بوی قدمت می دهد.
جوان های بومی و قدیمی ها آمده بودند تا نام شاهین زنده بماند هر چند مشکلات همیشگی اجازه نداد شاهین به مرحله بعد صعود کند و در همان لیگ ماند.
قصه شاهین برای فوتبالی ها و غیر فوتبالی ها جذاب است چون قصه زندگی ست و فراز و نشیب هایش...
شورای شهر و شهرداری بوشهر وارد گود شدند و تصمیم احیای نام شاهین را گرفتند تصمیمی که هم مخالف داشت و هم موافق؛ حالا شاهینی ها توانسته بودند مسئولان را متقاعد کنند که حال و هوای بوشهر بدون شاهین سرد و کسل کننده است.
لیگ دسته دو میزبان دوباره هواداران پرشور و شاهین محبوب شد تا بار دیگر فوتبال ایران بال های گسترده شاهین را نظاره گر باشد.
در اولین حضور شاهین شهرداری بوشهر علیرغم صعود به مرحله دوم، جواز صعود به لیگ دسته یک را دریافت نکرد؛ ناکامی که در دومین فصل حضور هم تکرار شد و در بازی پلی آف داور در دقایق پایانی وقت قانونی بازی، نقطه پنالتی را نشان داد تا برق جدید شیراز از تیم های هم قصه شاهین جواز صعود را دریافت کند و قم و ورزشگاهش شاهد اشک های بندری هایی باشد که دیگر آخرین قطرات اشکی بود که روی گونه هایشان سرازیر می شد و اشکی برایشان نمانده بود تا برای شاهینشان بریزند.
در سومین فصل حضورش در لیگ دسته دو، شاهین شهرداری مدعی ترین تیم صعودکننده نام گرفته بود این بار دیگر هواداران طاقت حضور در لیگ دسته دو را نداشتند، شاهین باید پرواز می کرد.
جایگاه پرنده محبوب جنوب اینجا نبود.
ماراتن سخت و نفس گیر لیگ دسته دو را شاهین خوب آموخته بود و حالا باید حماسه ای ماندگار رقم می زد، ورزشگاه در هر دیدار مملو از هوادار و تشویق های بی امان شاهین را راهی مرحله دوم کرد که سکان هدایت شاهین به مهدی پاشازاده رسید.



ورزشگاه جدید بوشهر میزبان شاهین و شاهینی ها شد تا او هم همچون ورزشگاه شهید بهشتی طعم صعود را بچشد؛ از هوادار روشندل تا کودک و پیر و جوان ندای شاهین را حس کرده بودند و ورزشگاه شهید مهدوی را آذین می بستند.
ورزشگاهی که کلنگش را وقتی زدند که دیدند ورزشگاه پیر شهید بهشتی گنجایش هواداران عاشق شاهین را ندارد ولی سقوط های پی در پی ورزشگاه جدید نمی خواست؛ شاهین بال پرواز می خواست تا حریفان را به چنگال بکشد.
سرانجام شاهین موفق شد بعد از ۶ سال، صعود را به عاشقانش هدیه دهد عاشقانی که حالا این روزها سر از پا نمی شناسند و شاد شادند.
بالاخره شاهین با صعودش اردیبهشت بوشهر را بهشت کرد تا به فوتبال کشور بگوید فوتبال بدون من و هوادارانم معنا ندارد.

برق از سر کَلمه پرید

بابک فقیه



در آسمان شهر کلمه، نوای نواحی ساز محسن و صدای آکا طَنین انداز شد، که به ناگهان برق رفت!
برق رفت!
مادرم می گوید که بعد از کلمه ی بابا و مامان، اولین جمله ای که در دوران طفولیت آموخته ام، جمله ی خبری: برق رفت، بوده است!
آنگاه که دوران جنگ بود و بمباران و دفاع، به عمد برق را هنگام حمله ی هوایی دشمن قطع می کردند تا هواپیماهای عراقی مبادا که در روشنایی چراغ ها، شهر و محل دفع بمب های چند تنی را تَشخیص دهند و آوارشان کنند بر سرمان و فاجعه رخ دهد. ظاهراً تکرار مکرر قطع برق و طبیعتا پس از آن واکنش بزرگترها و ادای جمله ی برق رفت آنقدر



زیاد بوده است که طفلی شیرخواره نیز شرطی شده بود که با خاموشی چراغ ها، طوطی وار بگوید برق رفت، بی آنکه درک درستی از این کشف بشری داشته باشد و بداند رفت و آمدش دقیقا بابت چیست و اصولا به چه کار می آید!
از آن سالها که بگذریم و از پیچ و خم صدها و هزاران قضایا، دستاوردها و رویدادهای بزرگ و کوچک اجتماعی که رد شویم، می رسیم به یازدهم فروردین ماه نود و هفت، در شهر کلمه، که قرار بود در این شب، آوا و نوای نت ها کمی بار کلمات را سبک کنند و کلمه زیر چتر نیِ محسن دمی بیاساید، که برق رفت!!
اما این بار نه هواپیمای بعثی قرار بود بمبی بر سر شهر آوار کند، نه کابل های حامل تاب و تحمل آن حجم برقی را نداشتند، بلکه تنها فقط تحجر و تاریکی طاقتش طاق شده بود و مثل همیشه تاب روشنایی را نداشت. تاب نیاورد که نی در هوای کلمه بپیچد و نوای آکا بر فراز شهر طنین انداز شود! آری برق از سر کلمه پرید، تا دیگر هوس نکند دمی لابلای نت بپیچد و دل به دل نی دهد! خلاصه شد، آنچه نمی بایست بشود!
اما این برق متحجر غافل است که اگرچه که رفت، اما نوای ساز شریفیان نه تنها در کلمه، که بر آستان تمام جملات جاری شد و فقط رو سیاهی اش برای برق ماند!
(راستی خودمانیم، موسیقی محلی تولید محل خودمان است، یا ساختِ محلِ خارج است!؟ مگر نه امسال قرار بود از تولیدات داخلی حمایت شود!؟ داخلی تر از این هم مگر می شود!!؟ یا نکند تولیدات فرهنگی اصولاً جز تولیدات حساب نمی شود!؟ مُچیم!)

جَلّاسانِ گِردگو

(محمد فاضلی – عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

واژه‌های طبّاخ، قصّاب و خبّاز را شنیده‌اید، نام مشاغل‌اند، و کسانی هم هستند که بر وزن همین مشاغل می‌توان آن‌ها را «جَلّاس» نامید، اگرچه چنین واژه‌ای وجود نداشته باشد. این آدم‌ها را حتماً می‌شناسید. این دسته – که هر یک از ما هم می‌توانیم یکی از آن‌ها باشیم – کارشان این است که از این جلسه به آن جلسه در حرکت هستند. اگر طبّاخ یعنی «بسیار طبخ کننده»، «جَلّاس» نیز «بسیار نشیننده در جلسه است، بسیار جلوس کننده»
خصیصه بارز دستگاه اداری این مملکت انبوه جلسات است و «جَلّاسان» بوروکرات‌هایی هستند که در هر روز چندین جلسه شرکت می‌کنند. تقصیر خودشان نیست، ساختار است که آن‌ها را صبح تا شب دور میزهایی می‌نشاند تا فرسوده‌شان کند، تا فرصت نکنند چیزی بخوانند، فکر کنند و به کار و بارشان برسند. همه در جلسه‌اند.
«جَلّاسی» بیماری نظام اداری است. نظام اداری به دلیل ابهام در وظایف، کمبود دانشی که به مدیران جرأت تصمیم گیری بدهد، فقدان شفافیتی که اطلاعات را با سرعت و دقت به گردش درآورد و لازم نباشد در جلسه اطلاعات را رد و بدل کرد، و ساختار مستعد تخلف که مدیران را در معرض رسیدگی سازمان‌های نظارتی قرار می‌دهد، به تدریج هر تصمیمی را مؤکول به جلسه می‌کند. اکثریت مدیران قادر به تصمیم گیری نیستند و بنابراین وقت گرانبها صرف جلوس در جلسات می‌شود و به تدریج «جَلّاسان» ظهور می‌کنند.
نظام اداری «جَلّاس‌پرور» به این حد نیز قناعت نمی‌کند. کثیری از «جَلّاسان» به تدریج خود را به خُلقی دیگر نیز می‌آرایند و آن «گِردگویی» است.
«گِردگو» کسی است که ماهرانه درباره هر مسأله مهمی چنان سخن می‌گوید که نه سیخ بسوزد نه کباب. «گِردگو» می‌تواند چنان سخن بگوید که دل همه را به دست آورد، سخنش هیچ گوشه‌ای ندارد و رئیس فعلی و رؤسای محتمل آتی را خرسند می‌سازد. گِردگو می‌تواند چنان سخن بگوید که هیچ مسئولیتی را متوجه اظهارنظرش نسازد.
«گِردگویان» طائفه‌ای هستند که جز در مواردی که ناچار شوند، پای هیچ اظهارنظری را امضا نمی‌کنند تا مبادا امروز و فردایی گریبانش را بگیرند. این جماعت از مکتوب کردن بیزارند و ترجیح می‌دهند صدای‌شان در کنار صداهای همگان قرار گیرد و همواره مسئولیت تصمیم‌ها میان همگان تقسیم شود. دیوار حاشا برای «جَلّاسان گِردگو» بلند است.
«گِردگویی» مهارتی است برای گفتن سخنانی که آن‌قدر گرد هستند که در هر زمینی می‌توان آن‌ها را غلطاند، و به هر زمان و مکانی می‌توان آن‌ها را قِل داد. گویِ گِرد را از هر زاویه که نگاه کنید، فرقی نمی‌کند، جهت خاصی ندارد.
«جَلّاسانِ گِردگو» محصول نظام اداری‌ای هستند که بر سنتِ شفاهی بنا شده و گزارش کارشناسی مکتوب و امضا شده در آن جایگاهی ندارد. نظامی که در غوغای آمارهای متناقض همواره می‌توان هر اظهارنظری را توجیه کرد. اکثریت آدم‌ها در چنین سیستمی آخر و عاقبت حرفه‌ای‌شان «جَلّاسی» و «گِردگویی» است؛ حرفه‌ای که در آن می‌آموزند چگونه سی سال بمانند و کسی را نرنجانند؛ روی حرفی نایستند، و مسئولیت هیچ مخاطره حرفه‌ای را نپذیرند.
«جَلّاسی» و «گِردگویی» بسیار به هم مرتبط هستند، زیرا گِردگویان بسیاری را دیده‌اید که چون جلسه تمام می‌شود و بیرون از اتاق جلسه، ایستاده در کنار شما سخن می‌گویند، حرف‌هایی می‌گویند که از خود می‌پرسید چرا این‌ها را همان‌جا داخل جلسه نگفت؟ گویی وقتی می‌نشینند و آن‌گاه که ایستاده‌اند، متفاوت‌اند. گِردگویی در این نظام اداری، راهی برای ماندن است. «جَلّاسان گِردگو» خود می‌مانند، بی هیچ صراحتی، سی سال یا بیشتر، اما سرمایه‌های بسیاری را به فنا می‌برند.

پایان یک جدال پر فراز و نشیب در شهرداری بوشهر

اکبر توسلی – عضو شورای شهر بوشهر



همانگونه که مستحضرید دعوایی سابق جناب میگلی نژاد با خواسته ابطال مصوبه ختم رابطه کاری، با طرح دادنامه جدیدی بار دیگر در افکار عمومی مطرح گردید. وکیل آقای میگلی نژاد اخیراً علی رغم هرگونه اعتراضی از سوی طرفین دادرسی و مختومه گردیدن پرونده در موعد قانونی و مقرر، استعلامی از شعبه تجدیدنظر مبنی بر ابقای دستور موقت اخذ نموده که با حاشیه های بسیاری در رسانه های استان و شبکه های اجتماعی منتشر گردید و بعضاً برخی آن را به منزله امکان بازگشت جناب میگلی نژاد به سمت شهرداری تفسیر نمودند.



به صورت خلاصه باید اشاره نمود این دادنامه جدید که دعاوی گذشته را به نوعی بار دیگر مطرح کرده است بر اساس اعتراضی است که اینجانب به حکم های پیشین در دیوان نموده ام. صرف نظر از مختومه بودن پرونده، اینجانب در راستای تعیین تکلیف نهایی پرونده به شعبه مذکور مراجعه و با استرداد دادخواست اعتراضی خود نسبت به اخذ قرار ابطال دادخواست و نهایتاً پایان تمامی بحث های عملی و نظری در خصوص موضوع معنون اقدام نمودم.
نتیجتاً در پایان این مسیر حقوقی و البته سیاسی پر فراز و نشیب، سرانجام پرونده ای که عملاً به دلیل عدم اعتراض طرفین ترافع، در مرحله بدوی قطعی گردیده بود با استرداد دادخواست برای همیشه مختومه گردید تا جای هیچ اما و اگر باقی نمانده و جدال مذکور به لحاظ حقوقی با رد تمامی دعاوی غلامعلی میگلی نژاد علیه شورای شهر بوشهر در دیوان عدالت اداری کشور به پایان رسیده باشد. امید که شورای شهر با گذر از این مرحله پر حاشیه، در انجام تکالیف خود و در راستای توسعه شهر پرافتخار و زیبای بوشهر موفق باشد.

بیمه کارگران برای یک لحظه هم لازم و اجباری است

یونس خسروانی



متأسفانه یک عرف غیر عقلائی و غیر قانونی در بین مردم رایج و شایع است مبنی بر اینکه تا یک کارگر ۹۰ روزکار نکرده است مستحق بیمه شدن نیست و بعبارتی قراردادهای ۸۹ روزه منعقد می کنند.
این یادداشت بمنظور تبیین این موضوع و اینکه متأسفانه این امر در دستگاههای حاکمیتی و دولتی نیز شایع شده و هم اکنون تعدادی از دستگاههای استان به این امر نامیمون مبادرت می ورزند.
مطابق قانون کار و تأمین اجتماعی هر فرد از اولین لحظه شروع بکار مستحق پرداخت حق بیمه است.
بعنوان مثال:
ملوانی در سنوات گذشته،که از استانهای همجوار جهت کار در شناور باری (لنج باری) سوار بر لنج در حال خروج از اسکله بود ناگهان موتور لنج دچار آتش سوزی شد و این ملوان عزیز فوت شدند. علیرغم اینکه این فرد تنها ساعتی در لنج اشتغال داشت لیکن خانواده نامبرده از مستمری تأمین اجتماعی استفاده می کند. بنابراین هر فردی از لحظه حضور در کار بایستی حق بیمه آن پرداخت شود.
اما موضوع زمانی تلخ تَر و نامملوس تَر است که این کارگران سالها در دستگاههای دولتی و حاکمیتی کار می کنند و چون خارج از قواعد استخدامی و با لحاظ قانون کار ورود نموده اند در طول دوران اشتغال بیمه آنان پرداخت نمی شود.
امروز متأسفانه به موردی برخوردم که دستگاه دولتی چند سال فردی را بکار گرفته و از پرداخت حق بیمه آن خودداری کرده است. بدون شک این بی انضباطی های مالی تبعات سنگینی برای دستگاههای دولتی و حاکمیتی به لحاظ مالی و اجتماعی خواهد داشت.
الان بعضی دستگاههای دولتی بدلیل استخدام افراد در ۳۰ سال گذشته بدهی های سنگینی دارند که دامن گیر مدیران فعلی شده است.
بنابراین لازم است به تمامی دستگاههای دولتی و حاکمیتی بدلیل عدم رعایت این موضوع انذار و تبشیر جدی صورت پذیرد.



محمد اصلانی: در یک مقطع زمانی به دلیل مشکلات امنیتی که در کشور وجود داشت، نیاز بود که نرده‌ای میان مردم و مسوولان باشد و الحمدلله امروز با وجود نیروهای مخلص و دلسوز این مشکلات در کشور وجود ندارد.
در بوشهر در مراسمی که مختص مردم است توسط مؤسسه فرهنگی شهرداری بوشهر رعایت نشده و هنوز مردم و مسئولین، که توسط همین مردم انتخاب شدن را بوسیله حصار جدا می کنند که امید است آینده شهروندان شاهد این صحنه های تبعیض گونه نباشند.
دبیر شورای عالی امنیت ملی در انتقاد به برخی اقدامات مسئولان که باعث جدایی و تفاوت بین آنها و مردم می شود، خواستار اصلاح این رفتار و همراهی بیشتر مردم با مردم و جامعه شد.

سه روایت

سعید کشاورزی

روایت اول:
روی شیشه‌ی یک سوپرمارکتی نوشته شده: «پول نقد نداریم؛ لطفاً تقاضا نکنید». ماجرا را از صاحب آنجا جویا می‌شوم. ظاهراً داستان از این قرار است که این مغازه در کنار یک مجتمع پزشکی قرار گرفته و تعدادی از پزشکان دستگاه کارت‌خوانی در مطبشان ندارند. از آنجاکه فاصله زیادی تا دستگاه عابر بانک وجود دارد، بسیاری هر روز به اینجا مراجعه کرده و تقاضای پول نقد (درازای کشیدن کارت) می‌کنند. ظاهراً آن پزشکان با دریافت وجه نقد از پرداخت مالیات فرار می‌کنند.
روایت دوم:
خبرها حاکی از آن است که میزان مالیات کارمندان تا سقف ۳۵ درصد به صورت پلکانی افزایش یافته است. همزمان مقرراتی به اجرا درآمده است که بسیاری از کارمندان (که معمولاً دریافتی‌های بالایی هم دارند) به دلایل مشخصی از پرداخت مالیات معاف می‌شوند. ماه گذشته این کارمندان نه تنها مالیاتی نپرداختند بلکه مبالغی که سال‌های پیش هم پرداخت کرده بودند یکجا دریافت کردند.
روایت سوم:
در عرض چند ماه، چند خبر ضد و نقیض از افزایش تعرفه‌های واردات خودرو به گوش می‌رسد، ما هم هر چه هم‌صدا با مسئولین به بازار می‌گوییم این خبرها شایعه است، باورش نمی‌شود و قیمت خودرو حول‌وحوش ۳۰ درصد افزایش می‌یابد.
– در این فکرم که گرچه شاهد موفقیت‌های کوچک ایرانیان هم بوده‌ایم؛ اما همواره آن را با پسرفت‌های بزرگ جبران می‌کنیم و از همه مهم‌تر چراغ رابطه همچنان خاموش است.

